



A Critical Discourse Analysis of the of Imam Ali's Letters To Abdullah Ibn Abbas

Maryam Moosavian *

Leila Niroomand **

Nazanin Malekian ***

Mandana Saniei ****

Abstract

Understanding the discourse of the Islamic management can be very helpful for both leaders and individuals who take managerial responsibilities in the society. This research is intended to have a critical discourse analysis of Imam Ali's letters to Abdullah Ibn Abbas. Hence, Imam Ali's letters to Abdullah bin Abbas, the ruler of Basra, are reviewed and analyzed through a qualitative method using Fairclough's critical discourse analysis. These are seven letters analyzed through critical discourse analysis at three levels. At the level of important linguistic features of the letters, the eloquence dominating the letters was assessed. An attempt was made to interpret the eloquence of the discourse of this textual features in the context of writing of these letters in the era of Imam Ali (AS) at the level of interpretation. At the level of explanation, the researchers tried to identify the relationship between discourse eloquence and the text as well as its socio-political context. All in all, the findings indicate that in Imam Ali's discourse, there is only one identifiable practice or discourse practice which reveals that Imam Ali's practice was only in an Imam-governor position. At this position, Imam Ali demonstrated different types of discourse to structure Islamic management in their letters. In general, six discourses were employed in the production of Imam-governor discourse to present the order of Islamic management discourse including justice-oriented and truthful management discourse, managerial open-minded discourse, managerial discourse orientation, fate-orientation discourse, martyrdom-orientation discourse and unworldliness discourse.

Keywords: *Nahj al-Balaghah, Imam Ali (AS), Abdullah Ibn Abbas, critical discourse analysis, discourse eloquence, Islamic management discourse.*

* PhD candidate in social communication sciences, Islamic Azad University of East Tehran, Iran
maryammousavian65@gmail.com

** Corresponding author: assistant professor at the Department of Social Communication Sciences, Islamic Azad University, East Tehran, Iran

*** Assistant professor at the Department of Social Communication Sciences, Islamic Azad University, East Tehran, Iran

**** Assistant professor at the Department of Social Communication Sciences, Islamic Azad University of East Tehran, Iran

شاپا چاپی: ۶۹۸۰ - ۲۲۵۱
شاپا الکترونیکی: ۵۲۳۴ - ۲۶۴۵

نشریه علمی

«مدیریت اسلامی»

(پاییز ۱۳۹۹، سال ۲۸، شماره ۳: ۱۱۴ - ۷۹)



تحلیل گفتمان انتقادی نامه‌های امام علی علیه‌السلام به عبدالله بن عباس

مریم موسویان *

لیلا نیرومند **

نازنین ملکیان ***

ماندانا صنیعی ****

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

چکیده

شناسایی گفتمان مدیریت اسلامی می‌تواند هم برای رهبران و هم برای افرادی که مسئولیت‌های مدیریتی بخشی از جامعه را بر عهده دارند، بسیار راه‌گشا باشد. هدف این مقاله تحلیل گفتمان انتقادی نامه‌های امام علی به عبدالله بن عباس است؛ به‌همین دلیل با روش کیفی و با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی و تحلیل نامه‌های امام علی به عبدالله بن عباس حاکم بصره پرداخته شده است. این نامه‌ها هفت عدد است و تحلیل گفتمان انتقادی در سه سطح انجام شده است. در سطح توصیف ویژگی‌های مهم زیباشناختی نامه‌ها به‌منظور شناسایی نظم گفتمانی حاکم بر آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در تفسیر تلاش شده است که این نظم گفتمانی در پرتو ویژگی‌های متنی و هم‌چنین شرایط تولید این متون در دوره امام علی (ع) تفسیر شود. هم‌چنین در سطح تبیین تلاش شده است تا رابطه نظم گفتمانی با متن و بستر اجتماعی - سیاسی آن تبیین شود. به‌طور کلی یافته‌ها نشان می‌دهد که در نظم گفتمانی امام علی تنها یک پرکتیس یا عمل گفتمانی قابل‌شناسایی است و آن پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار است. امام علی در سطح پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار انواع مختلف گفتمانها را برای مفصل‌بندی نظم گفتمانی یا همان گفتمان مدیریت اسلامی در نامه‌هایشان به‌کار گرفته‌اند. به‌طور کلی شش گفتمان در مفصل‌بندی پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار برای تولید نظم گفتمان مدیریت اسلامی به‌کار گرفته شده که عبارت است از: گفتمان مدیریت عدالت‌گرا و حق‌گو، گفتمان گشاده‌رویی مدیریتی، گفتمان مدارای مدیریتی، گفتمان سرنوشت‌گرا، گفتمان شهادت‌گرا و گفتمان دنیاگریزی.

کلیدواژه‌ها: نهج‌البلاغه، امام علی (ع)، عبدالله بن عباس، تحلیل گفتمان انتقادی، نظم گفتمانی، گفتمان مدیریت

اسلامی

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان مدیریتی امام علی علیه‌السلام» است.

* دانشجوی دکتری علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

maryammousavian65@gmail.com

** نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

**** استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

بررسی نقش رهبران و مدیران در سطوح مختلف فعالیتهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی بیانگر این است که مدیریت در همه زمینه‌های پیشرفت و حرکت اجتماعی، نقشی مهم و اساسی به‌عهده دارد به‌گونه‌ای که بدون توجه به اصول اساسی آن نمی‌توان هر مجموعه، اعم از گروه، سازمان، ملت و یا جامعه جهانی را درست هدایت و رهبری کرد.

هدف نهایی هر مدیری در دین اسلام تلاش در جهت جلب رضایت خداوند است؛ بنابراین با در نظر گرفتن رضایت خداوند متعال به‌عنوان هدف نهایی و واحد مدیریت، تمامی برنامه‌ها و اقدامات نیز باید همسو با این هدف بزرگ و متعالی انجام شود. آنچه در هر جامعه و یا سازمان، بیش از هر چیز بر سمت و سیاق برنامه و اقدامات مدیر تأثیرگذار است، نوع سبک مدیریتی است که مدیران انتخاب می‌کنند. بدون شک، سبک مدیریتی که ارزش و کرامت والایی را برای نیروی انسانی سازمان قائل باشد و در عمل نیز این ارزش و کرامت را تکریم و تقویت کند، می‌تواند در کمک به مدیران در جهت دستیابی به هدف والای خود بسیار مؤثر باشد که رضایت خداوند است. امام علی(ع) نیز هیچ‌گاه از نظارت و کنترل بر عملکرد نیروهای دستگاه‌های اداری و اجرایی خود غافل نبودند به‌گونه‌ای که با ایجاد سامانه نظارتی، اعمال و رفتار مسئولان و مدیران را مورد ارزیابی و حسابرسی قرار می‌دادند و با کشف معایب و رفع آنها از تکرار انحرافها جلوگیری می‌کردند و نقاط قوت را توسعه می‌بخشیدند. تجربه مدیریتی امام علی(ع) به بهترین شیوه در کتاب نهج‌البلاغه آمده است.

باید به این نکته توجه کرد که نهج‌البلاغه به‌عنوان متن گزینش شده‌ای از سخنان امام علی(ع) در سنت تاریخی و زبانی قرار دارد که فهم سخنان امام بدون فهم دقیق آن سنت^۱ و کم‌توجهی به حالات، کارها و مفاهیم رایج زمانه صدور، گزاف و هنجارگریزانه خواهد بود. این مطلب در مورد همه متون گفتاری و نوشتاری مصداق پیدا می‌کند؛ اما درباره متون تاریخی دو چندان ضرورت و اهمیت دارد که روشن شود مخاطبان اولیه چه کسانی هستند؛ در چه جو روانی و فکری قرار دارند؛ با چه مسائل و مفاهیمی، انس ذهنی دارند؛ عملیات تفهیم و تفاهم در میانشان چگونه صورت می‌پذیرد؟

قطعاً هر متنی در صورتی که از ناحیه هر یک از این چهار رکن، شفافیت بیشتری یابد به همان اندازه می‌تواند فهم پذیرتر و مطابق با واقع شود. در این بین، برخی از کارها و مسائل پر اهمیت‌تر جلوه خواهد کرد؛ مثلاً اینکه متن، ساختار و محتوای خود را از کجا می‌گیرد؛ از عرف رایج زمانه؛ از خرده فرهنگهای هر دوره؛ از نبوغ دانشمندان آن زمانه یا از حوزه ابتکارات شخصی افراد، شاید با نگرش در متنی تاریخی چون نهج‌البلاغه (که متنی زبانی است و در عین حال محکوم به قواعد همزمانی و در زمانی زبان) کمتر پژوهش شده باشد. گویی باور یا عقیده در مورد این متن همچنان این است که گوینده آن ویژگیهای منحصر به فردی دارد که سخن خود را در اوج زیبایی و تأثیر و نفوذ و در مرتبه سخنی فروتر از سخن مخلوق قرار داده؛ اما واقعیت این است که آن حضرت نیز در بستر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زمان خود به ایراد سخن پرداخته است. در معنا و مفهوم گفتمانی این بستر پراکنسی اجتماعی است که رخداد ارتباطی یا همان نامه‌های امام علی در آن اتفاق افتاده است؛ از این رو مسئله اصلی این پژوهش این است که برای دستیابی به تجربه مدیریتی امام علی (ع) باید متن نهج‌البلاغه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. سؤال این است که آیا از این طریق می‌توان گفتمان مدیریتی آن حضرت را شناسایی کرد؛ به عبارت دیگر آیا گفتمان مدیریتی امام علی از دید تحلیل گفتمان انتقادی نامه‌های آن حضرت قابل شناسایی است؟

بخش قابل توجهی از مشکلات و مسائل امروزی کشور ناشی از مدیریت ناکارآمد است. در واقع چالش مدیریتی منشأ بسیاری از مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط زیستی و غیره است. نظام سیاسی ما جمهوری اسلامی است. این نظام بیش از هر چیز اجرای الگوی مدیریت اسلامی را می‌طلبد. منشأ و ریشه اصلی این الگوی مدیریتی در تجربه مدیریتی پیامبر و امامان معصوم به‌عنوان جانشینان اصلی ایشان است. از این رو می‌توان گفت بسیاری از مشکلات کشور بازگشت از آموزه‌های مدیریتی اسلامی است.

در واقع، برخورداری از ساختار مدیریتی همخوان با آموزه‌های دین از مهمترین ویژگیهای نظام اسلامی، و بیانگر تفاوت مهم مکتب مدیریتی اسلام با دیگر مکاتب شرقی و غربی است؛ از این رو نمی‌توان صلاح و سعادت را از ساختاری انتظار داشت که از آموزه‌های دینی بیگانه است و ساختار دینی ناقصی دارد. بنابر آنچه بیان شد، اگر زیر بنای مدیریت بر مبنای آموزه‌های دین اصلاح نشود، عملکرد درست و اثرگذاری مطلوب از مدیران انتظار بجایی نخواهد بود؛ از این رو امام علی (ع) به اصلاحات گسترده‌ای دست زدند (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹: ۴۶۱ - ۴۴۱).

این مقاله در کنار پرداختن به حوادث تاریخی در تلاش است تا به تحلیل گفتمان و محتوای نامه‌های حضرت علی(ع) به کارگزاران خود بپردازد تا از خلال آن ارتباط بافت‌های مختلف (برون‌زبانی) و (درون‌زبانی) را کشف، و سپس شیوه گفتمان امام علی علیه‌السلام و در نتیجه، ایدئولوژی مدیریتی ایشان را مشخص کند. با تحلیل گفتمان این نامه‌ها می‌توان به اصول و مبانی مدیریتی و ارتباطاتی دست یافت که هم برای رهبران و هم برای افرادی بسیار راهگشا باشد که مسئولیت‌های مدیریتی بخشی از جامعه را عهده‌دار هستند.

در این پژوهش، محقق بر آن است که در حد وسع خود به مطالعه موردی نامه‌های امام علی به کارگزاران بپردازد و با به کارگیری روش تحلیل گفتمان انتقادی، زوایای مختلف کلامی، توصیفی گفتمان مدیریتی امام علی(ع) را شناسایی، و با تفسیر و تبیین متن گفته‌های آن حضرت، گفتمان مدیریتی ایشان را مشخص کند. شاید از این طریق بتوان به برقراری الگوی مدیریت اسلامی در جامعه کنونی کمک کرد.

البته از آنجا که تعداد نامه‌ها بسیار است در این مقاله بر نامه‌های آن حضرت به عبدالله ابن عباس تمرکز شده است. در واقع در این پژوهش، که براساس نظریه فرکلاف مورد بررسی قرار خواهد گرفت، تلاش می‌شود تا گوشه‌ای از ویژگی‌های مدیریتی امام علی(ع) با توجه به نامه‌های ایشان به عبدالله ابن عباس و هم‌چنین با استفاده از روش تحلیل گفتمان شیوه‌های گفتاری و بیانی امام علی(ع) آشکار شود که متناسب با اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه بیان شده است تا به گفتمان اصلی امام علی(ع) دست پیدا کنیم.

به‌طور کلی و براساس آنچه بیان شد، می‌توان سؤالات پژوهش را در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. براساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، نامه‌های امام علی(ع) به عبدالله ابن عباس از چه ویژگی‌های زبانشناختی برخوردار است؟

۲. این نامه‌ها به‌عنوان رخداد ارتباطی در چه بافت موقعیتی نوشته شده است؟

۳. در نوشتن نامه‌ها از چه متن یا متنی‌هایی استفاده شده است؛ به‌عبارت دیگر بینامتنیت نامه

چیست؟

۴. امام علی در مفصل‌بندی گفتمان مدیریتی خود از چه گفتمان‌هایی استفاده کرده است؟

۵. این نامه‌ها با پراکتیس اجتماعی و یا بستر گسترده‌تر اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی چه

ارتباطی دارد؟

پیشینه پژوهش

حوزه تحلیل گفتمان از همان آغاز، محل توجه زبان‌شناسان و فیلسوفان زبان و جامعه‌شناسان بود به گونه‌ای که الگوهای کار آنها در اختیار دانشمندان دیگر علوم قرار گرفت. به‌رغم پژوهشهای متعدد در این حوزه نوپا بویژه در حوزه‌های زبان‌شناسی، سیاست و جامعه‌شناسی، هنوز این روش جدید به شکل گسترده وارد حوزه علوم اسلامی بخصوص دانشهای مرتبط با قرآن و حدیث نشده است.

در حوزه نهج‌البلاغه پژوهی، تحقیقاتی صورت گرفته است که به‌صورت موردی بخشهایی از نهج‌البلاغه را بررسی کرده‌اند. در جدول ذیل نمونه‌هایی از این پژوهشها ارائه شده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پژوهشها درباره نهج‌البلاغه

ردیف	عنوان پژوهش	نام محقق	سال انتشار	یافته‌ها
۱	تحلیل خطبه ۵۱ نهج‌البلاغه براساس کنش گفتاری جان سرل	فضائلی و نگارش	۱۳۹۰	یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که امام علی(ع) در این خطبه برای تحریک و تشجیع لشگریانشان از کنشهای گفتار اظهاری و ترغیبی زیاد استفاده کرده و کنش گفتار عاطفی را به میزان کمتری به کار برده است. آنها معتقدند که در خطبه مورد بحث، امام(ع) کنشهای گفتار تعهدی و اعلامی را به کار نبرده‌اند.
۲	بررسی ساختارگرایی در خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه	عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد	۱۳۹۴	یافته‌ها نشان می‌دهد که فرایندهای مادی (۴۳ مورد) بیشتر از دیگر فرایندها است و فرایندهای رابطه‌ای با ۲۴، ذهنی با ۱۵، بیانی با ۱۲، وجودی با ۳ و رفتاری با ۲ مورد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته است. بیش از ۳۰ درصد فرایندها به‌صورت محذوف به‌کار رفته بود؛ برای مثال از مجموع ۲۴ مورد فرایند رابطه‌ای، ۲۰ مورد به‌صورت فعل محذوف "کان" از متن قابل استنباط بود.
۳	تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی به معاویه	علی صفایی و بهروز سلطانی	۱۳۹۵	امام برای تثبیت و ترویج و تقویت در برابر گفتمان مخالف (معاویه)، اندیشه «ما و آنها» را در نامه خود گسترش داده و با استفاده از امکانات زبانی گزینشهای متناسب را در این راستا صورت داده است؛ این امر بویژه در کاربست فرایندهای ارتباطی و مادی معنی‌دار است.

ردیف	عنوان پژوهش	نام محقق	سال انتشار	یافته‌ها
۴	بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)	علی اکبر محسنی و نورالدین پروین	۱۳۹۴	مهمترین یافته این نوشتار، تبیین گفتمان روانشناسانه و هنری خطبه‌ها و اثبات تأثیرپذیری آنها از اوضاع سیاسی حاکم و بویژه رفتار کوفیان و نیز تأثیر متقابل امام(ع) بر آن است.
۵	تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد	سعید محمودی و همکاران	۱۳۹۵	براساس یافته‌های این پژوهش، ساختارهای خطبه اعم از ساختار بیرونی که شامل سطح آوایی، سطح نحوی و سطح دلالی است و ساختار درونی که شامل محتوا و عواطف گفتمان است، متناسب و منسجم با بافت موقعیتی آن یعنی کوتاهی و غفلت مخاطب در زمینه جهاد به دنبال برانگیختن احساسات مخاطب و بیدارکردن او از خواب غفلت است.
۶	بررسی تطبیقی مدیریت اسلامی با مدیریت غربی	فلاحی صفدرآبادی	۱۳۹۲	در این پژوهش نظام مدیریت اسلامی تبیین شده است و این نظام مدیریتی را پویا با هویتی الهی می‌داند که دارای نگرشی جامع، سیستمی و علمی و روشی انسان‌مدارانه است و رشد همه‌جانبه انسان در همه ابعاد مادی، روحی و معنوی و اسلامی هدف آن است.
۷	ملاک ارزیابی کارگزاران در نهج البلاغه	مهدوی‌راد و غروی	۱۳۹۱	در این پژوهش حق‌مداری، عدالت‌محوری و قانونگرایی مهمترین ویژگی مدیریت علوی است.
۸	مطالعه تطبیقی خصیصه‌های حاکم اسلامی از دیدگاه نهج البلاغه و نظریه‌های مدیریت	سینا سعید یادر	۱۳۸۹	آموزه‌های نهج البلاغه در زمینه ویژگیهای حاکم اسلامی علاوه بر پوشش نظریات رایج، شفافتر و ملموس‌تر از آنها است و ابهام و تعارضی را ندارد که در نظریه‌های مدرن مشاهده می‌شود.
۹	معیارها و ملاکهای شایستگی مدیران از دیدگاه امام علی(ع)	نصیری	۱۳۸۸	در این مقاله معیارهای شایستگی و شایسته‌سالاری مدیران در نهج البلاغه، خدام‌محوری و تقوی، ایمان، سعه‌صدر، اخلاص، بصیرت، تخصص و تجربه، اعتقاد به آخرت و روز حساب، رعایت عدل و انصاف، عدم تعلق به دنیا، امانتداری، مشورت، داشتن حسن شهرت و نداشتن سوءپیشینه، پاکی و صلاحیت خانوادگی و... است.

ردیف	عنوان پژوهش	نام محقق	سال انتشار	یافته‌ها
۱۰	شیوه‌های مدیریتی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه	شکاری‌نژاد	۱۳۸۸	با بررسی مؤلفه‌های مختلف مدیریت در نهج‌البلاغه بین مدیریت کلاسیک و دیگر سبکها با مدیریت از دیدگاه امام علی(ع) مقایسه‌ای انجام داده و ضمن بیان برتری شیوه مدیریت امام علی(ع) به لحاظ جامع‌بودن این شیوه، چنین نتیجه گرفته است که با توجه به بحرانهای اجتماعی و اقتصادی که امروزه دامنگیر جهان بویژه کشورهای غربی شده است، می‌توان با تقلید از مدیریت امام علی، جامعه را به سعادت رهنمون کرد.
۱۱	مدیریت منابع انسانی از دیدگاه امام علی(ع)	امیر حمزه مهرابی	۱۳۸۱	در این مقاله به تجزیه و تحلیل شغل، فواید طراحی شغل، واگذاری مسئولیت، تناسب و هم‌سنخی شغل با شاغل، واگذاری هر شغل به اهلیش، برنامه‌ریزی نیروی انسانی، کارمندیابی و گزینش و آموزش از دیدگاه امام علی پرداخته شده است.
۱۲	الگوسازی رفتار مدیران با توجه به نامه‌های حضرت امیر علیه‌السلام در نهج‌البلاغه	مسعود احمدخانی	۱۳۷۹	نتیجه تطبیق دو الگوی غربی و الگوی ارائه شده در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که الگوی نهج‌البلاغه کلی و انسانگراست و به این دلیل به انسان ارزش می‌دهد که شأن والا و کرامت انسانی را در نظر دارد؛ این درحالی است که الگوی غربی به انسان توجه می‌کند تا او هرچه بیشتر و بهتر بتواند در جهت تأمین سود مادی و منافع مالی خود اقدام کند.
۱۳	ملاکهای انتخاب و انتصاب نیروی انسانی در مدیریت اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه	محمد خسروی	۱۳۷۸	فراوانی مفاهیم اخلاقی و ارزشی در کنار مفاهیم تخصص، کفایت و کاردانی در کارها در مباحث نهج‌البلاغه آنقدر زیاد است که نه تنها هیچ تقابل و تغایری از این حیث با ملاک تخصص مورد نظر در مدیریت علمی وجود ندارد بلکه زمینه‌های اخلاقی و ارزشی تکمیل‌کننده آن نیز هست و در نهج‌البلاغه تعهد و تخصص به‌عنوان دو شرط اساسی و کافی به‌منظور پذیرش مسئولیت معرفی شده است.
۱۴	نظری مدیریت از دیدگاه امام علی(ع)	ابوذر منصوری آرانی	۱۳۷۵	مدیران موفق آنهایی هستند که علاوه بر دارا بودن ویژگیها و شرایط عام مدیریت از توانایی و مهارتهایی از نوع پیش‌برنده در مدیریت نیز برخوردارند.

ردیف	عنوان پژوهش	نام محقق	سال انتشار	یافته‌ها
۱۵	مطالعه تطبیقی مهارت شنود مؤثر از دیدگاه قرآن و حدیث و دانش مدیریت	رضا شکرانی و همکاران	۱۳۹۱	مراحل شنود مؤثر در مدیریت عبارت است از: دریافت، توجه، معناگذاری، ارزیابی و در قرآن و روایات عبارت است از: دریافت، توجه، تعقل و قبول یا عدم قبول شنیده‌ها. طبق یافته‌ها با دقت در مراحل شنود مؤثر در دو حوزه مدیریت و قرآن روایات می‌توان دریافت که تمامی مراحل در این دو حوزه مشترک است و با یکدیگر همخوانی دارد.
۱۶	الگوی مدیریت بحرانهای سیاسی اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)	محمد رضا ستوده‌نیا و محمد جانی‌پور	۱۳۹۱	جنگهای جمل، صفین و نهروان در زمان حکومت امیرالمؤمنین(ع)، از جمله بحرانهای سیاسی - اجتماعی است که باعث ایجاد تفرقه در امت و جغرافیای اسلام، تضعیف اقتدار رهبری و لطمه خوردن مقبولیت عمومی جامعه اسلامی شده بود.
۱۷	الگوی شایستگی مدیران براساس نهج البلاغه امام علی(ع)	پریسا باقرنژاد و احمد عیسی‌خانی	۱۳۹۲	نتایج این پژوهش نشان داده است که بر مبنای نهج البلاغه حضرت علی(ع)، الگوی شایستگی مدیران در قالب پنج شایستگی تقوی‌مداری، امانتداری، عدالت‌ورزی و انصاف، تصمیم‌گیری و رفتاری - اخلاقی قابل ارائه است.

جمع‌بندی پیشنهادی پژوهش

هر یک از این پژوهشها بعد یا ابعادی از ساختار زبانی و سطح گفتمانی کلام و اندیشه امام را بررسی و تبیین کرده است؛ مثلاً فضائلی و نگارش الگوی پنج وجهی کنش گفتار سرل را در خطبه ۵۱ جستجو کرده و این نتیجه را گرفته‌اند که کاربرد کنشهای اظهاری و اعلامی بیشتر از عاطفی بوده است. عرب زوزنی و پهلوان‌نژاد، بسامد فرایندهای مادی، رابطه‌ای، ذهنی، وجودی، بیانی و رفتاری را در خطبه ۲۸ به دست داده‌اند. صدایی و سلطانی در نامه ۲۸ گفتمان مشروعیت امام و گزینش‌های زبانی خاص امام را در مقابل گفتمان رقیب (معاویه) را روشن ساخته‌اند. محسنی و پروین با استفاده از الگوی تحلیل گفتمان فرکلان به بررسی رابطه گفتمانها با بافت موقعیتی و قدرت طبقه حاکم و شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمانه پرداخته و تأثیرات متقابل امام را از وضع جامعه و برعکس نتیجه گرفته‌اند. محمودی و همکاران هم در خطبه ۲۷ جهاد، ارتباط و هماهنگی ساختارهای بیرونی و درونی متن با بافت موقعیتی را نتیجه گرفته‌اند.

قبل از هر چیز باید به این نکته توجه کرد که نهج البلاغه دارای ابعاد وسیع و نامه‌ها و خطبه‌های

زیادی است؛ از این رو ممکن است پژوهش‌های زیادی درباره آن انجام شده باشد؛ اما هر تحقیقی جنبه‌ای از نهج‌البلاغه را مورد بررسی قرار داده است. آنچه این پژوهش را از دیگر پژوهش‌ها جدا می‌کند، این است که در هیچ کدام از موارد قبلی به نامه‌های عبدالله بن عباس پرداخته نشده است؛ پس می‌توان گفت که پرداختن به این نامه‌ها گامی است در جهت تکمیل پژوهش‌های پیشین و تکرار هیچ کدام از آنها نیست.

ادبیات نظری و مفهومی

در اینجا به دو مفهوم اصلی تحقیق، یعنی گفتمان و حکمرانی پرداخته می‌شود. مفهوم حکمرانی از مدیریت فراتر است و بهتر می‌تواند حکمرانی امام علی را توضیح دهد. ابتدا به تعریف و توضیح گفتمان و تحلیل گفتمان از نگاه اندیشمندان این حوزه خواهیم پرداخت؛ سپس تلاش می‌شود مفهوم پارادایم‌های اصلی حکمرانی توضیح داده شود.

گفتمان

اصطلاح گفتمان از واژه‌های فرانسوی *discourse* و لاتین *discoursus* به معنی گفتگو، محاوره و گفتار گرفته شده است (بشیر، ۱۳۸۵: ۹).

براساس نظر لغتنامه وبستر، تاریخ اولین ثبت واژه دیسکورس^۱ یا گفتمان به قرن چهاردهم برمی‌گردد؛ در آغاز به معنای توانایی فرد در ارائه فکری منسجم و منظم بود؛ سپس به معنای تبادل نظر از راه کلام به کار رفت؛ در معنای جدید نیز بیان منظم و منسجم و مطول از هر فکر در مورد موضوعی خاص را می‌رساند (وبستر، ۱۳۹۹: ۳۳۱).

از نظر استوبز^۲ نیز زبان و رای جمله و عبارت را می‌توان گفتمان نامید. به اعتقاد فاستولد مطالعه هر جنبه از کاربرد زبان همان مطالعه گفتمان است. هم‌چنین به نظر گی^۳ گفتمان متضمن چیزی بیش از زبان است. گفتمانها متضمن هماهنگی زبان با شیوه عمل، تعامل، ارزش‌گذاری، باورداشتن، احساس، بدن‌ها، لباسها، نمادهای غیرزبانی، اشیاء، ابزارها، فناوری، زمان و مکان است (فاضلی، ۱۳۸۳: ۸۲).

1. Discourse
2. Stubbs
3. Gee

به طور کلی از گفتمان به دو شیوه متفاوت برداشت معنا می‌شود: در یک معنا گفتمان در قالب زبان و کلام و گفتار یا سخن فهمیده می‌شود. در معنای دیگر گفتمان فرا زبانی قلمداد، و در شکل گیری آن بر نقش زمینه و بستر فرهنگی و سیاسی و اجتماعی تأکید می‌شود. در واقع در معنای اول، شکل و صورت و فرم زبان مهم است و در معنای دوم زمینه و عوامل برون‌زبانی (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹).

- به اعتقاد ون دایک^۱، مفهوم گفتمان مانند مفاهیم دیگری چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و غیره اساساً مبهم است (ون دایک، ۱۳۸۲: ۲۹).

- میشل فوکوی^۲ فرانسوی گفتمان را شامل تعداد محدودی از احکام می‌داند که می‌توان برای آنها مجموعه شرایط وجودی را تعریف کرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۲).

- از دیگر تعاریف گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن با یکی از وجوه آن است (فیلیس و یورگسن، ۱۳۸۹: ۱۸).

- لاکلا و موف^۳ بر این نظرند که گفتمان، جهان اجتماعی را در قالب معنا می‌سازد. این ساختن از طریق زبان انجام می‌شود که ماهیتی بی‌ثبات دارد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۳).

- به‌رغم فراوانی تعاریف، همچنان اختلاف نظر در چپستی گفتمان وجود دارد؛ چون روشی انتزاعی و ذهنی دارد و با ساختارهای زبانی درهم تنیده است. در واقع، زبان است که فرایند گفتمان‌سازی را عینیت می‌بخشد. تا در ساختاری، نقش زبان بدرستی فهمیده نشود، هرگونه تحلیل از گفتمانها آن‌چنان معنادار نخواهد بود؛ از همین رو، صاحب‌نظران در حوزه تحلیل گفتمان در کنار معرفی آن به‌عنوان یک روش تحقیق کیفی، تحلیل گفتمان را عرصه‌ای میان‌رشته‌ای شامل مطالعات اجتماعی، فرهنگی، تحلیل متن، معناشناختی و غیره دانسته‌اند.

کارکرد گفتمانها علاوه بر معنا بخشی به واقعیت‌ها، تشدید صورت‌بندیهای مختلف زبانی، شکل‌گیری فهمهای مختلف، شفافیت بخشی به پیامدهای مختلف هر رویداد خواهد بود؛ لذا تحقیقات حوزه تحلیل گفتمانی بیشتر به سمت شناخت ساختارهای زبان و نظام نشانه‌ای زبان (دال و مدلولها)، تحلیل ساختارهای کلان اجتماعی، ساختار شکنی، دیرینه‌شناسی و تبارشناسی (به‌طور

1. Van Dijk
2. Michel Foucault
3. Laclau and Mouffe

ویژه نزد میشل فوکوی فرانسوی)، تحلیل نظام‌های سیاسی و اجتماعی و غیره سوق پیدا کرد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۳ - ۱۸۷).

مفهوم حکمرانی

مدیریت و فرمانروایی امام علی از مدیریت سازمانی فراتر بود به گونه‌ای که در قالب مفهوم حکمروایی یا حکمرانی می‌گنجد؛ از این رو در این بخش پرتوی خواهیم انداخت بر این مفهوم. حکمرانی و یا آنچه در ادبیات نظری به حکمرانی خوب شهرت دارد از دهه ۱۹۹۰ به این سو مورد توجه اصحاب علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفت. این واژه در یونان باستان کاربرد داشته است و افلاطون از آن برای اشاره به چگونگی اداره حکومت استفاده می‌کرد (آن‌میت، ۲۰۰۴: ۳). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، زمامداری و رهبری است و در فرهنگ آکسفورد به معنای مدیریت کشور، شرکت و یا سازمان آمده است. حکمرانی یعنی تأکید بر تدبیر خردمندانه کارها به گونه‌ای که به نتایج مطلوب منجر شود (معمارزاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳ ت ۲۲). مفهوم حکمرانی خوب نیز با مفاهیمی چون مردم‌سالاری، جامعه مدنی، مشارکت عمومی، حقوق انسانی و توسعه اجتماعی و پایدار معنا شده است (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

یکی از نخستین تعاریف مفهومی و نظری در ابتدای ورود مفهوم حکمرانی به عرصه علوم اجتماعی توسط گوران هایدن ارائه شده است. از نظر وی حکمرانی، ایجاد توان سیاسی و تقویت توانایی رهبران برای افزایش ظرفیت ساختاری نظام سیاسی و مدیریتی موجود است. حکمرانی یعنی تقویت توانایی رهبران برای تغییر قواعد بازی و تلاش برای تأمین نیازهای همیشه در حال تغییر جامعه (گوران هایدن، ۱۹۸۳: ۱۸۵).

به طور کلی دو پارادایم اصلی در موضوع حکمرانی مطرح است که در مقایسه بین این دو، مفهوم حکمرانی بیشتر روشن می‌شود: پارادایم دولت در مقابل پارادایم حکمرانی. نکته اصلی در اینجا است که حکمرانی و مدیریت امام علی بیش از اینکه به مفهوم دولت نزدیک باشد با پارادایم حکمرانی سنخیت دارد که از پارادایم دولت جدیدتر است.

پارادایم دولت، برنامه‌ریزی و مدیریت جامعه را از بالا به پایین نشان می‌دهد. در این پارادایم برنامه‌ریزی بر عقلانیتی جامع مبتنی است و مشکلات به صورت علمی تحلیل، و در قالب برنامه‌های مختلف راه‌حل آنها نیز ارائه می‌شود. براساس این نظریه برنامه‌ریزان عبارت است از افراد نخبه‌ای که هدفگذاری می‌کنند و بدیلها و پیامدهای هر تصمیم را در نظر می‌گیرند. منتقدان معتقدند که

برنامه‌های مبتنی بر عقلانیت (از بالا به پایین) جایی برای مشارکت شهروندان در نظر نمی‌گیرد. در پارادایم حکمرانی، ظرفیت شهروندان و مشارکت آنها در اداره جامعه در کانون توجه قرار می‌گیرد. در پارادایم دولت، اجرای کارها و عرضه خدمات وظیفه دولت است؛ اما در پارادایم حکمرانی، وظیفه دولت رهبری جامعه است. در پارادایم حکمرانی، شهروندان تنها به‌عنوان مشتری و یا رأی‌دهنده دیده نمی‌شوند، بلکه مشارکت‌کننده، آموزش‌دهنده و یا سازمان‌دهنده فعالیتها هستند و مجریان دولتی نیز نه تدارک‌دهندگان خدمات که هماهنگ‌کننده و حل‌کننده مشکلات دیده می‌شوند (گرچی، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

نقش و جایگاه مردم در حکومت اسلامی مشخص است؛ مشارکت آنها در اداره جامعه هم در قرآن کریم و هم در احادیث و روایات تاریخی مورد تأکید قرار گرفته است. هر چند واژه حکمرانی، جدید و امروزی به‌شمار می‌رود، تاریخ صدر اسلام با این مفهوم بیگانه نیست و حکومتداری امیرالمؤمنین علی(ع) بیش از همه به حکمرانی نزدیک است.

روش‌شناسی پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

روش این پژوهش کیفی و از نوع تحلیل انتقادی گفتمان است. براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به تحلیل نامه‌های امام علی(ع) پرداخته شده است. تحلیل انتقادی گفتمان در اواخر دهه ۱۹۸۰ با توسعه مطالعات تحلیل گفتمان در اروپا به وجود آمد و توسط کسانی چون فرکلاف^۱، ووداک^۲، وندایک^۳ و دیگران گسترش یافت (بلومرگ و بولکاین، ۲۰۰۰: ۴۴۷). در تحلیل گفتمان انتقادی گفته می‌شود که اندیشه همان سیالیت و انتقال معنی از متنی به متن دیگر و یا از گفتمانی به گفتمان دیگر است (آقا گل‌زاده، ۱۳۹۱: ۵). نورمن فرکلاف یکی از چهره‌های فعال و اصلی رویکرد انتقادی است و در مقایسه با دیگر تحلیلگران گفتمان، مشهورترین، جامعترین و پرتعدادترین نظریه را تدوین و ارائه کرده است. فرکلاف رویکردش را مطالعه انتقادی زمان می‌نامد (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۵).

1. Fairclough
2. Wodak
3. Van Dijk

به اعتقاد فرکلاف از دید روش‌شناسی، تحلیل متن باید از سطح توصیف به سطح تبیین ارتقا یابد؛ باید از سطح «چیستی» متون به سطح «چرایی» متون و ساختهای زبانی ورود کند. به لحاظ نظری، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، فرهنگی - جامعه‌شناختی است. از دید وی فرهنگ همان است که فضای خالی متن و جامعه را پر می‌کند» (آقا گل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۵). تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف سه بعد دارد: گفتمان به مثابه متن، گفتمان به مثابه پراکتیس گفتمانی و گفتمان به مثابه پراکتیس اجتماعی (بلومرگ و بولکاین، ۲۰۰۰: ۴۴۹). در تحلیل، این سه بعد را به سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین معنا می‌کنند.

توصیف: در سطح توصیف توجه به مضمونهای، روابط و هویت‌های واژگان و دستور زبان آن مورد توجه است. تحلیلگر در این سطح، متن را تحت تأثیر زمینه و شرایط می‌داند و بر این اساس آن را تحلیل می‌کند. هم‌چنین در این بخش ارزشهای صوری متن، شامل ارزشهای تجربی، رابطه‌ای و بیانی نشان داده می‌شود (فرکلاف: ۱۳۷۹: ۱۶۹ - ۲۱۱).

در سطح توصیف، متن از دیگر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی جدا و سپس بررسی می‌شود. ویژگیهای صوری‌ای که در هر متن وجود دارد، انتخابهایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور است که متن از آنها استفاده می‌کند. این تحلیل، تحلیل انتزاعی متن است (همان، ۱۶۷). پیش از هر چیز باید به این موضوع توجه کرد که موضوع پیام در انتخاب گونه زبانی نقشی اساسی دارد. هر موضوعی به ناچار با گونه زبانی خاصی تناسب دارد. سخنگو می‌داند کدام گونه برای کدام موضوع مناسب است و باید آن را انتخاب کند و می‌داند چگونه احساسات و حالات خود را در ارتباط با شنونده در مجموعه عناصر زبانی وی در نظر بگیرد. او تشخیص می‌دهد کجا و از چه امکانات زبانی برای تأثیرگذاری هر چه بیشتر بهره‌برد (پهلوان‌نژاد و ناصری مشهدی، ۱۳۸۷: ۴۱).

در نتیجه می‌توان گفت که هدف از سطح توصیف، شناختن متن در چارچوب بافت متن و ارتباط منطقی بین واژگان و معنا است. این پژوهش در تحلیل گفتمان نامه‌های امام علی به عبدالله ابن عباس به برجسته‌ترین شاخصهای واژگانی و دستوری ایشان اشاره می‌کند.

تفسیر: سطح تفسیر با این سؤال روبه‌رو است که ارتباط این نامه‌ها با گفتمانهای دیگر چیست و چگونه گفتمانهای موجود را به کار می‌گیرد.

در مرحله تفسیر به تحلیل بافت موضوعی (دال اصلی و دالهای فرعی)، بافت موقعیتی (زمان،

مکان، مخاطب) و بافت فکری حضرت علی(ع) در نامه‌ها پرداخته شده است. فرکلاف در موضوع بینا گفتمانی و مناسبات بینا متنی بر روابط با روشهای گفتمانی دیگر تأکید می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۵۵؛ به نقل از میلز، ۱۳۸۲: ۱۹۰)؛ زیرا ارجاع بینا متنی در درون هر بافت اجتماعی مدنظر است و بیانگر این است که بینامتنیت یکی از ساز و کارهای گفتمانی است و تغییر در گفتمانهای دیگر را در پی دارد (همان، ۱۹۴). با توجه به همین است که امام علی(ع) در نامه‌های خود، استفاده از آیات شریف قرآن کریم را سامان و محور اصلی گفتمان خویش قرار می‌دهند. تبیین: در این مرحله به فرایندهای تولید و تفسیر گفتمان پرداخته می‌شود. متن در این سطح، همچون بخشی از فرایند فعالیت اجتماعی تلقی، و با توجه به زمینه و بستر اجتماعی تحلیل می‌شود. تحلیلگر در این سطح به دنبال کشف ساختار و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر گفتمان است (همان: ۲۴۶ - ۲۴۷).

هدف اصلی تبیین، استخراج گفتمان اصلی متن و نشان دادن نقش دو مرحله توصیف و تفسیر در تولید و بازتولید قدرت نابرابر است؛ هم‌چنین، تحلیل گفتمان انتقادی از نظر سیاسی به دنبال تغییر است. به همین دلیل شفاف بودن تحلیلگر در موضعگیری سیاسی و اجتماعی، اهمیت زیادی دارد. بنابراین، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی رهایی‌بخش است و بیشتر از گروه‌های اجتماعی ستم‌دیده حمایت می‌کند (یورگنسن^۱، و همکاران ۱۳۸۹ به نقل از محسنی، ۱۳۹۱: ۷۱).

در پایان باید به این نکته اشاره شود که بنیانهای فلسفی و هستی‌شناسانه تحلیل گفتمان انتقادی بر رویکرد نسبی‌گرایانه و هم‌چنین دیدگاه سازه‌گرایی قرار دارد. هم‌چنین تحلیل گفتمان به موضوع قدرت در گفتمانها توجه خاصی می‌کند؛ برای مثال رابطه گفتمان سیاسی و گفتمان آموزشی و تعیین‌کنندگی قدرت در چگونگی آموزش شهروندان (هاکین و دیگران، ۲۰۱۲: ۱۱۱). از این دید، قدرت بر مبنای مجموعه‌ای از امکانات اخلاقی و عملی و از طریق آنها کار می‌کند؛ لذا قدرت بعد همه‌جانبه‌ای در روابط انسانی و بازی راهبردی بی‌پایان و باز است (دبورا، ۱۹۹۵: ۳۰۱).

بر واضح است که رویکردی که همه چیز از جهان هستی تا دنیای ارزشهای اخلاقی و انسانی را نسبی و تابع زمان و مکان می‌داند و هم‌چنین کنشهای درون گفتمانی را در سایه روابط قدرت تحلیل می‌کند با رویکرد دینی و اسلامی سنخیت چندانی ندارد. از دید تحلیل گفتمان انتقادی

قدرت یعنی کنترل یک نفر و یا گروهی از انسانها بر یک نفر و یا گروهی دیگر (وندایک، ۱۹۹۳: ۲۵۴)؛ این در حالی است که امام علی گفتمان مدیریتی و حکومتی خود را نه به دلیل افزایش قدرت و کنترل دیگران بلکه به دلیل اجرای حکم خداوند نمایندگی می‌کند. قدرت از سوی خدا به ایشان تفویض شده است و این بسیار متفاوت از مفهوم قدرت در ادبیات گفتمان انتقادی است. از این رو کاربرد این روش به معنای تأیید بنیان‌های نسبی گرایانه آن نیست و صرفاً جنبه‌های فنی و کاربردی در تحلیل محتوای نامه‌های امام مورد توجه بوده است.

در ادامه و هنگام بررسی نامه‌های امام علی از دید هر یک از سطوح توصیف، تفسیر و تبیین توضیحات تکمیلی در باب آنها ارائه می‌شود.

اعتمادپذیری در تحلیل گفتمان انتقادی

همه تحلیلگران تحلیل گفتمان انتقادی باور دارند که این شیوه مطالعه، تفسیری است و تمامی تلاشها برای تعیین اعتبار پژوهش گفتمانی نیز تحت تأثیر همین دیدگاه است. این نکته بویژه در دیدگاه گی^۱ آشکار است.

از نظر گی، تحلیلگر گفتمان براساس شش وظیفه زبان، سؤالاتی را از متن می‌پرسد. این سؤالات عبارت است از: متن حاوی چه زبانهای اجتماعی‌ای است؛ چه دستور زبانی در آن به کار رفته است؛ کدام هویتها یا فعالیتهای زمینه‌مند اجتماعی این زبانهای اجتماعی را فعال می‌سازد و به کار می‌گیرد؛ کدام عوامل غیرزبانی باعث ساخت هویتها و فعلیتهای متن شده است؛ کارکرد و نتیجه متن چیست؛ پیامدهای اجتماعی و سیاسی متن چیست؟ (فاضلی، ۱۳۸۳: ۹۴).

به اعتقاد وی، اعتبار تحلیل گفتمان در ارتباط با چگونگی پاسخگویی به این سؤالات نهفته است و به موارد زیر بستگی دارد:

همگرایی: از نظر گی اگر پاسخهای این سؤالات همگرا باشد و یکدیگر را نقض نکند، اعتبار تحلیل گفتمان تأمین شده است.

توافق: باید پاسخ این سؤالات مذکور مورد توافق تعداد زیادی از سخنگویان و تحلیلگران قرار گیرد؛ به عبارتی، بین سخنگویان و تحلیلگران در مورد اعتبار تحلیل گفتمان اجماع باشد.

پوشش: به میزانی که تحلیل معتبرتر باشد، می‌توان آن را به تعداد بیشتری از داده‌ها تعمیم داد.

این امر پیش‌بینی در وضعیت‌های مشابه را نیز شامل می‌شود. جزئیات زبانشناختی: اگر تحلیل بر جزئیات زبانشناختی بیشتری تکیه کند، بهتر است. بخشی از اعتبار تحلیل گفتمان به این بستگی دارد که تحلیلگر بتواند استدلال کند که کارکردهای ارتباطی بیان‌نشده در تحلیل به ابزارهای دستور زبانی مربوط می‌شود که می‌تواند این کارکرد را انجام دهد (فاضلی، ۱۳۹۹).

در این مقاله نیز تلاش شده است تا یک به یک این معیارها رعایت شود. محقق در دیگر موارد سعی کرده است در حد و وسع خود و تا جایی که متن نامه‌ها اجازه می‌دهد، تحلیل گفتمان این متنها را حول همان سؤالات انجام دهد و در این مورد نوعی انسجام و هماهنگی و همگرایی در پاسخها ایجاد شود؛ برای مثال بین ابعاد مختلف توصیف، تفسیر و تبیین نامه‌ها نوعی انسجام و پیوستگی به‌دست آمده است. هم‌چنین در هر کدام از این مراحل نیز سعی شده است تا بین ارکان مختلف نوعی هماهنگی ایجاد شود؛ برای مثال در بخش توصیف بین تحلیلهای واژگانی، صنایع ادبی و صورتهای دستوری و در نهایت ویژگیهای صوری، نوعی انسجام و هماهنگی به‌دست آمده است.

از نظر پوشش نیز سعی شده است تا چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، همه نامه‌های امام علی به عبدالله ابن عباس را پوشش بدهد. روش در همه نامه‌ها یکی است. البته این کار از ضرورت‌های این پژوهش بوده است؛ زیرا در نهایت محقق تلاش کرد تا از طریق تحلیل انتقادی تمامی نامه‌ها به گفتمان واحد مدیریتی دست پیدا کند. این گفتمان تمامی نامه‌ها را پوشش می‌دهد. در مورد جزئیات زبانشناختی نیز تلاش محقق این بوده است تا در بررسی زبانشناختی متن نامه‌های امام علی، مهمترین ویژگیهای صوری و زبانشناختی آنها را استخراج کند. این ویژگیها عبارت است از ترکیب واژگان مثبت و منفی، انواع صنایع ادبی به کار رفته و هم‌چنین انواع جملات از نظر خبری، دستوری، شرطی و استفهامی.

نامه‌های امام(ع) به فرمانداران

همه نامه‌های امام علی(ع) در نهج‌البلاغه ۷۹ نامه است که از این تعداد ۳۹ نامه به فرمانداران نوشته شده است. این نامه‌ها سه نوع است: برخی به لشکریان نوشته شده است. برخی مخاطب خاصی ندارد؛ اما مخاطب بیشتر نامه‌ها مشخص است. بیشترین تعداد نامه‌ها خطاب به «عبدالله ابن عباس» بوده است. در واقع، نامه‌های ۷۷، ۷۶، ۷۲، ۶۶، ۳۵، ۲۲، ۱۸ به عبدالله ابن عباس نوشته شده

که در آن زمان حاکم و فرمانروای بصره بوده است؛ به همین دلیل از میان همه فرمانداران هفت مورد از مهمترین نامه‌های مربوط به این شخص انتخاب شده است. متن و شماره این نامه‌ها در جدول ذیل آمده است با این توضیح که انتخاب این نامه‌ها چند دلیل داشته است: قبل از هر چیز تعداد نامه‌ها به یک نفر از کارگزاران دست کم می‌تواند گفتمان مدیریتی امام علی را با جزئیاتی بیشتر برای ما روشن کند. دوم اینکه گفتمان مدیریتی امام نه تنها در مورد یک کارگزار بلکه در مورد همه کارگزاران و در تمامی دوران خلافت و امامت ایشان از چارچوب یکسانی برخوردار است؛ به این دلیل که گفتمان اصلی و گسترده‌تری (گفتمان اسلامی)، که گفتمان مدیریتی امام از آن تغذیه می‌کند، تقریباً چارچوب و اصول ثابتی دارد. در این نظم گفتمانی توحید، معاد، نبوت و امامت در کانون گفتمان اسلامی قرار دارد. بنابراین، مفصل‌بندی گفتمان در این چارچوب مشخص صورت گرفته است؛ از این رو گفتمان مدیریتی ایشان نه تنها در ارتباط با عبدالله بن عباس که در ارتباط با همه کارگزاران و در همه نامه‌ها دارای صورت‌بندی مشخصی است. البته نمی‌توان منکر تغییرات در اجزای فرعی تر آن بود، ولی چارچوب و ستونهای اصلی آن یکسان است.

جدول ۲. متن و شماره نامه‌های امام علی (ع) به عبدالله بن عباس

ردیف	شماره نامه	متن نامه
۱	۱۸	بدان که بصره جایگاه فرود آمدن ابلیس است و کشتگاه فتنه‌ها و آشوبهاست؛ پس، مردم آنجا را به نیکی کردن خوشدل نمای و گره وحشت از دل‌هایشان بگشای. به من خبر رسیده است که با بنی‌تمیم بدخویی و درشتی کرده‌ای. از میان بنی‌تمیم ستاره‌ای غروب نکرد مگر اینکه در میان آنها ستاره دیگری طلوع کرد. در جاهلیت و اسلام در کینه جویی، کس همانند آنها نبوده است. ایشان را با ما پیوند خویشاوندی و قرابت خاص است، که اگر آن را مراعات کنیم، پاداش یابیم و اگر نکنیم، مرتکب گناه شده‌ایم؛ پس ای ابوالعباس خدایت رحمت کناد در آنچه از نیکی و بدی بر دست تو جاری می‌شود، مدارا کن که ما هر دو در آن شریکیم و چنان باش که گمانم به تو نیکو گردد و اندیشه‌ام درباره تو بد نگردد.
۲	۲۲	اما بعد؛ گاه آدمی را دست یافتن به چیزی که برای او مقدر بوده است، شادمان می‌سازد و گاه از دست دادن چیزی که دست یافتن به آن برایش مقدر نبوده است، غمگین می‌کند؛ پس باید شادمانی تو به چیزی باشد که برای آخرتت به دست آورده‌ای و اندوهت به چیزی باشد که از آخرتت از دست داده‌ای. به آنچه از دنیا به دست آورده‌ای فراوان شادی مکن و بر آنچه از دنیابت از دست می‌دهی، تأسف مخور و زاری منماید و باید همه هم تو منحصر به کارهای پس از مرگ باشد.

ردیف	شماره نامه	متن نامه
۳	۳۵	نامه‌ای از آن حضرت (ع) به عبدالله ابن عباس، پس از کشته شدن محمد ابن ابی بکر اما بعد؛ مصر گشوده شد و محمد ابن ابی بکر (رحمه الله) به شهادت رسید. پادشاه او را از خدای می طلبم. محمد، فرزندی بود نیکخواه و کارگزاری بود کوشنده و شمشیری بود برنده و رکنی استوار بود در برابر دشمن. مردم را تحریض کردم که بدو پیوندند و پیش از اینکه حادثه در رسد، یاریش کنند. آنان را پنهان و آشکارا فراخواندم و باز فراخواندم. بعضی به اکراه آمدند و برخی بهانه‌های دروغ آوردند و شماری در خانه‌های خود نشستند و ما را فرو گذاشتند. از خدا می خواهم که بزودی از ایشان رهاییم دهد. به خدا سوگند، اگر نه این بود که همه آرزویم به شهادت رسیدن است به هنگام رویارویی با دشمن و اگر نه دل بر مرگ نهاده بودم، خوش نداشتم که حتی یک روز هم در میان اینان بمانم یا در روی ایشان بنگرم.
۴	۶۶	اما بعد؛ آدمی گاه به چیزی که سرانجام نصیب او خواهد شد، شادمان می شود؛ گاه بر چیزی که مقدر نشده که به او برسد، غمگین می گردد؛ پس نباید بهترین چیزی که در این دنیا بدان نایل می آیی، رسیدن به لذتی یا فرو نشانیدن کینه‌ای باشد؛ بلکه باید خاموش کردن باطلی بود یا زنده کردن حقی. باید شادمانی تو به سبب چیزهایی باشد که پیشاپیش برای آخرت فرستاده‌ای و اندوه و دریغ تو بر آنچه در این دنیا به جای می گذاری و باید که همه هم تو منحصر به امور پس از مرگ باشد.
۵	۷۲	اما بعد؛ تو بر اجلت پیشی نخواهی گرفت و آنچه روزی تو نیست به تو باش ندهند و بدان که دنیا دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان تو. و دنیا سرایی است که پیوسته دست به دست می گردد. آنچه از آن تو باشد، سرانجام به تو خواهد رسید؛ هر چند، ناتوان باشی. آنچه بر زیان توست، دفعش نتوانی کرد؛ هر چند، نیرومند باشی.
۶	۷۶	با مردم گشاده‌رو باش؛ آن گاه که به مجلس در آیند و آن گاه که درباره آنها حکمی کنی از خشم پرهیز که خشم نشان سبک مغزی از سوی شیطان است و بدان که هر چه تو را به خدا نزدیک می کند از آتش دور می سازد و آنچه از خدا دور می سازد به آتش نزدیک می کند.
۷	۷۷	با ایشان به قرآن مناظره مکن؛ زیرا قرآن بار معناهای گوناگون را تحمل کند. تو چیزی می گویی و آنها چیزی می گویند؛ بلکه با ایشان به سنت مناظره کن که راه گریز نیابند.

تحلیل گفتمان انتقادی نامه‌های امام علی (ع)

برای تحلیل گفتمان نامه‌های امام علی (ع) به عبدالله ابن عباس در سه سطح تحلیلی مورد نظر

فرکلاف، اقدام شده است:

مرحله توصیف

این پژوهش در سطح توصیف تحلیل گفتمان نامه‌های امام علی (ع) به عبدالله ابن عباس با

تکیه بر برجسته‌ترین شاخصهای واژگانی و دستوری ایشان تلاش می کند سه نوع ارزش تجربی،

رابطه‌ای و بیانی را در متن نامه‌ها مشخص کند. ابتدا وجه دستوری و سطح واژگانی در نامه‌های امام علی(ع) مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس براساس آن ارزشهای صوری نامه‌ها توصیف می‌شود. وجه دستوری

از نظر فرکلاف انواع ویژگیهای دستوری در متن‌ها هست که ارزشهای رابطه‌ای دارد. او در این مورد بر وجه‌های جمله تأکید می‌کند؛ مثلاً از کدام وجه‌ها استفاده شده است. سه وجه اصلی خبری، پرسشی، دستوری و امری وجود دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹۱ - ۱۹۲). در نامه‌های امام علی(ع) به عبدالله ابن عباس تمامی جملات به دو صورت خبری و دستوری یا امری است. امام در این نامه‌ها از جملات سؤالی استفاده نکرده‌اند.

در مجموع، امام در هفت نامه‌ای که به عبدالله ابن عباس نوشته است ۳۹ جمله را به کار برده که ۲۵ جمله خبری و ۱۴ جمله نیز امری و دستوری است. محتوای نامه‌ها نشان می‌دهد که امام ابتدا سعی کرده است که با جملات خبری از افراد و قبایل در بصره و یا حتی در مورد سیاست‌ورزی، حکومتداری و تعامل با دیگران، دانش و اطلاعاتی را به عبدالله ارائه کند؛ سپس براساس این اطلاعات در قالب جملات امری، کارها و یا در پیش گرفتن رفتارهای خاصی را از او بخواهد؛ به همین دلیل جملات خبری از جملات امری بیشتر است.

انواع واژه‌ها

از نظر واژه‌ها نیز می‌توان براساس بار معنایی، آنها را به دو دسته واژگان منفی و واژگان مثبت تقسیم کرد. در مجموع ۳۷ واژه مثبت و ۳۷ واژه منفی در نامه‌ها به کار رفته است. نکته مهم این است که در هر نامه‌ای معمولاً واژه‌های مثبت و منفی در کنار هم به کار می‌رود. نمونه‌هایی از واژگان مثبت عبارت است از: نیکی، پاداش، رحمت، شادمان، گشاده‌رو، نیکخواه، مدارا و هم‌چنین نمونه‌هایی از واژگان منفی عبارت است از: ابلیس، فتنه‌ها، آشوبها، وحشت، بدخویی، درشتی، جاهلیت، کینه‌جویی، گناه، بدی، کینه، زیان، سبک مغزی و ...

صنایع ادبی

یکی دیگر از ویژگیهای نامه نگاری امام علی(ع) استفاده از صنایع ادبی بویژه تشبیه و کنایه است. در برخی موارد استعاره هم به کار رفته است. به‌طور کل در چهار نامه هیچ‌گونه صنایع ادبی به کار نرفته است؛ اما در سه نامه باقیمانده هشت کنایه و تشبیه مورد استفاده قرار گرفته که عبارت است از:

۱. دنیا دو روز است، کنایه از اینکه دنیا بسیار کوتاه است. ۲. با مردم گشاده‌رو باش، کنایه از مهربان بودن. ۳. خشم نشان سبک مغزی، کنایه از بی‌خردی. ۴. بدان که هرچه تو را به خدا نزدیک می‌کند از آتش دور می‌سازد. آتش استعاره از جهنم است. ۵. بصره مهبط و جایگاه فرود ابلیس و محل رویش فتنه‌هاست؛ کنایه از فتنه‌انگیزی مردمان بصره است. ۶. از میان بنی تمیم ستاره‌ای غروب نکرد مگر اینکه در میان آنها ستاره دیگری طلوع کرد، کنایه از ظهور مردان بزرگ در میان این قبیله است. ۷. دنیا سرایی است، تشبیه دنیا به سرا و منزل. ۸. دنیا پیوسته دست به دست می‌گردد، کنایه از تغییر.

ارزشهای صوری

به‌کارگیری واژگان مثبت و منفی و استفاده از کنایه و تشبیه در کنار جملات دستوری و خبری، بیانگر ارزشهای صوری خاصی است. جهان تجربی‌ای که امام علی(ع) در قالب واژگان به تصویر می‌کشد، شامل جهانی است که در یک‌سوی آن، «دنیای مادی» و در سوی دیگر، «آخرت» قرار دارد. او به‌گونه‌های مختلف این دو را در کنار هم به تصویر می‌کشد و خیر آدمی را در دومی می‌بیند. همه رفتارها و کردارها باید به جهان آخرت معطوف باشد؛ برای مثال زمانی که می‌خواهد به مقایسه دنیا و آخرت پردازد و به عبدالله یادآوری کند که در مقابل آخرت و دنیای بعد از مرگ، این دنیا فانی و هیچ است از واژه‌های منفی و مثبت استفاده می‌کند. در نامه‌های امام، واژه‌های زیادی به کار رفته که کنایه از ناپایداری دنیا است. دنیا هم پیوسته در حال تغییر، و هم کوتاه است.

ارزشهای رابطه‌ای: در متن نامه‌ها چند نوع رابطه هست که حاوی ارزشهای متفاوتی برای امام علی است. از یک‌سو رابطه امام با عبدالله مطرح است که رابطه‌ای سلسله‌مراتبی است؛ امام در جایگاه حاکم و امیرمؤمنان و عبدالله در جایگاه کارگزار او.

نکته مهم در وجوه دستوری جملات نهفته است. امام ابتدا با استفاده از جملات خبری، تصویری از جهان هستی (دنیا و آخرت) ارائه می‌کند. البته دنیای اجتماعی و سیاسی را در قالب پرداختن به افراد و قبایل و شهرها نیز به تصویر می‌کشد؛ سپس در قالب جملات دستوری هم اندرزهای اخلاقی به عبدالله می‌دهد و هم روش و رویکرد مدیریتی را به او نشان می‌دهد.

رابطه عبدالله با مردم و زبردستان او و هم‌چنین قبایل تحت حاکمیتش نیز در این نامه‌ها در قالب گفتمان خاص امام علی(ع) به تصویر کشیده شده و رهنمودهایی ارائه کرده است. هنگام پرداختن

به دشمنان و زبردستان عبدالله تلاش می‌کند تا از طریق واژه‌های منفی مناسب به او نشان بدهد که با چه کسانی سروکار دارد تا بدین ترتیب به او یادآور شود که چگونه باید با آنها رفتار کند. هم‌چنین آداب تعامل با افراد تحت حکومت از طریق کنایه‌هایی مانند گشاده‌رویی، سبک مغزی و غیره به عبدالله بن عباس گفته شده است؛ به علاوه، امام علی (ع) حتی در مورد شهر بصره و قبیله بنی تمیم هم از کنایه استفاده می‌کند و یا در نامه‌ای که در مورد شهادت محمد ابن ابوبکر صحبت می‌کند، خیانت آنها را یادآور می‌شود و با شهید خواندن محمد به نوعی آنها را از دایره گفتمان اسلامی بیرون می‌گذارد؛ یعنی افرادی که امام را تنها گذاشتند و ایشان آرزو می‌کند که ای کاهش طوری می‌شد که هرگز در روی آنها ننگرد و در نتیجه، در زمره کافر کیشان به‌شمار می‌روند.

درباره ارزشهای بیانی نیز می‌توان گفت که امام علی (ع) با استفاده از صفات و تشبیهات خاصی که برابند هویت اسلامی است به ارزیابی هویت افراد و قبایل و شهر بصره می‌پردازد؛ برای مثال می‌فرماید: بدان که بصره جایگاه فرود آمدن ابلیس است و کشتگاه فتنه‌ها و آشوبها یا در مورد قبیله بنی تمیم می‌فرماید: در جاهلیت و اسلام در کینه‌جویی، کسی همانند آنها نبوده است. بر مبنای همین هویت اسلامی، توصیه‌های مدیریتی را به ابن عباس ارائه می‌کند؛ برای مثال می‌فرماید: با مردم گشاده‌رو باش؛ آن‌گاه که به مجلس در آید و آن‌گاه که درباره آنها حکمی کنی از خشم پرهیز که خشم نشان سبک مغزی از سوی شیطان است.

سطح تفسیر

در این مرحله از یک‌سو به بافت موقعیتی متن و از سوی دیگر به بافت بینامتنی آن پرداخته می‌شود. در بافت موقعیتی به دنبال این هستیم که بدانیم ماجرا چیست؛ چه کسانی در آن درگیر هستند و روابط میان آنها چگونه است.

از نظر فرکلاف، گفتمانها و متون آنها تاریخ دارد. آنها به مجموعه‌های تاریخی تعلق دارد. بنابراین، تفسیر بافت بینامتنی به این بستگی دارد که متن را متعلق به کدام مجموعه بدانیم و در نتیجه چه چیز را میان مشارکان، زمینه مشترک و مفروض بخوانیم (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۴). بینامتنیت: بینامتنیت نشانگر تاریخ‌مند بودن گفتمان است و برای فهم نوشتار و ساختار نوشتاری موضوعی اساسی است.

بافت موقعیتی

بافت موقعیتی در نامه‌های ۱۸ و ۷۶ تقریباً شبیه به هم است. نامه ۱۸ را ابن میثم در شرح

نهج البلاغه خود نقل کرده است. هم‌چنین ابوهلال عسکری در کتاب صناعتین و باقلانی در اعجاز القرآن و سید امیر یحیی علوی در کتاب الطراز بخشی از این نامه را نقل کرده‌اند. نامه ۷۶ را پیش از مرحوم سید رضی، ابن قتیبه دینوری در کتاب الامامة والسیاسة و مرحوم شیخ مفید در کتاب الجمل آورده‌اند و بعد از سید رضی، سید امیر یحیی علوی در کتاب الطراز با تفاوت‌های متعددی آورده است (مصادر نهج البلاغه، ج ۳: ۲۴۱ - ۴۷۸).

هر دو در مورد فضای بعد از جنگ جمل و شیوه مدیریت ابن عباس و چگونگی برخورد او است. پس از پایان جنگ جمل و منصوب شدن ابن عباس به فرمانداری بصره از سوی امام، فضای عصبانیت و خشم و انتقام حاکم بوده است. امام با توصیه‌های خود می‌خواهد آرامش را به شهر و منطقه بازگرداند و از خشونت‌های احتمالی آینده جلوگیری کند.

هنگامی که طلحه و زبیر به اتفاق دیگر همراهانشان وارد بصره شدند و در آنجا پرچم مخالفت بر ضد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) را برافراشتند، بصریان از آنان استقبال، و لشکر عظیمی را برای جنگ با امیرمؤمنان (علیه السلام) برپا کردند. فتنه عظیمی را برپا کردند و سرانجام شکست خوردند و متلاشی شدند.

اینکه امام (ع) در نامه ۱۸ می‌فرماید: «بصره مهبط و جایگاه فرود ابلیس و محل رویش فتنه‌هاست» به این اشاره می‌کند که آنجا اقوام گوناگونی زندگی می‌کنند که هم نسبت به یکدیگر مشکل دارند و هم نسبت به بیرون این سرزمین؛ شاید به همین دلیل طلحه و زبیر آنجا را برای اقدام بر ضد امام امیرمؤمنان (علیه السلام) انتخاب کردند.

از جمله کسانی که قبل از مرحوم سید رضی می‌زیسته و متن نامه ۳۵ را با تفاوت مختصری در کتابشان ذکر کرده‌اند، طبری است که این نامه را در حوادث سال ۳۸ آورده و هم‌چنین ابراهیم بن هلال ثقفی در کتاب الغارات نقل کرده است (به نقل از مصادر نهج البلاغه، ج ۳: ۳۲۶). در این نامه سه نکته هست که بافت موقعیتی آن را نمایان می‌سازد: اول اینکه شهادت محمد بن ابی‌بکر را در مصر به دست عمال معاویه به اطلاع ابن عباس می‌رساند و از محمد به‌عنوان فرزند خیرخواه و شجاع و مدافع حق یاد می‌کند. بنابراین شهادت محمد بیانگر یکی از موقعیت‌های نوشته شدن این نامه است.

در بخش دوم به این نکته اشاره می‌کند که امام (ع) پیش‌بینی چنین مطلبی را می‌کرد و لذا مردم کوفه و عراق را به یاری محمد فراخواند و آشکار و نهان به آنها دستور داد که هرچه زودتر

به یاریش بشتابند؛ ولی متأسفانه افراد سست‌عنصر و مدعیان دروغین گوش ندادند و این مصیبت بزرگ واقع شد که سرزمین مصر از دست رفت و محمد شهید شد. در اینجا مشخص است که مردم کوفه و عراق و نوع واکنش آنها به خواست امام علی نیز جنبه دیگری از بافت موقعیتی نامه را نشان می‌دهد و در ادامه دیدگاه، احساسات و نگرش امام علی (ع) که تحت تأثیر نوع برخورد مردم کوفه است نیز یکی دیگر ابعاد مهم بافت موقعیتی نامه به‌شمار می‌رود.

بافت موقعیتی نامه ۷۲ بیشتر به احوال شخصی مخاطب نامه ناظر است. صاحب کتاب تحف‌العقول (حسن بن علی بن شعبه که کمی پیش از سید رضی می‌زیسته است) با تفاوتی این نامه را آورده است (مصادر نهج‌البلاغه، ج ۴: ۲۸۴). هم‌چنین در کتاب تمام نهج‌البلاغه این نامه با اضافاتی آمده که بخشی از این اضافات در کتاب نثرالدّرّ محقق آبی و بخش دیگری از آن در کتاب اسعاف‌الراغبین که در حاشیه کتاب نورالابصار شبلنجی آمده، چاپ شده است (تمام نهج‌البلاغه، ۷۷۱).

درواقع در این نامه دقیقاً معلوم نیست امام در چه وضعیتی آن را برای عبدالله بن عباس مرقوم کرده‌اند؛ اما به‌نظر می‌رسد حادثه ناگواری برای «عبدالله بن عباس» روی داده بوده و یا انتظار مهمی داشته و برآورده نشده و به این دلیل غمگین بوده است. امام (ع) این نامه را برای دل‌داری او و توجه‌دادنش به طبیعت زندگی دنیا و مقدرات الهی می‌نگارد تا آرامش پیدا کند.

سرانجام اینکه بافت موقعیتی در نامه ۷۷ به شکل‌گیری گروه خوارج ناظر است. این گروه براساس تفسیری که از یکی از آیه‌های قرآن می‌کردند از دسته یاران امام خارج شده بودند. شکل‌گیری این گروه بسیاری از تصمیم‌گیریه‌ای امام را تحت‌الشعاع خود قرار داده بود و به‌همین دلیل در نامه به عبدالله بن عباس موقعیت، دیدگاه‌ها و رویکرد این گروه درباره قرآن تعیین‌کننده محتوای نامه است.

همان‌طور که مشاهده شد در همه نامه‌ها بافت موقعیتی مشخص نیست. در نامه‌های ۱۸، ۳۵، ۷۲، ۷۶ و ۷۷ بافت موقعیتی قابل تشخیص است؛ اما در دیگر نامه‌ها معلوم نیست که در چه موقعیتی بوده است.

بینامتنیت

در برخی از نامه‌های امام به ابن عباس، رابطه‌ای قوی بین متن این نامه‌ها با متن قرآن وجود دارد. این امر ناشی از این است که قرآن به‌عنوان تنها متن و هم‌چنین به‌عنوان کلام الهی تنها چراغ

هدایتگر زندگی انسان در اسلام بویژه در دوران امام علی است که هنوز زمان زیادی از پیدایش دین مبین اسلام نگذشته بود. این ارتباط بینامتنی برجسته‌ترین وجه بینامتنیت نامه‌های امام است؛ برای مثال در نامه ۱۸ امام به ابن عباس دستور می‌دهد:

«بهترین راه آرام کردن شهر بصره این است که به مضمون آیه شریفه "ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ" * وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ" (فصلت/ ۳۴ و ۳۵) عمل کند؛ یعنی بدیهایی را که آنها در جنگ جمل کردند با نیکی پاسخ گوید تا آنان شرمنده احسان او گردند. هم‌چنین در نامه ۲۲، وقتی امام(ع) تلاش می‌کند تا مخاطب خود، ابن عباس را به این نکته مهم توجه دهد که «سرور و شادی انسان نباید نسبت به مواهب مادی دنیا که در دسترس او قرار می‌گیرد باشد و غم و اندوه او نباید به مواهبی مربوط باشد که از دست می‌رود، بلکه سرور و شادی باید فقط برای رسیدن به مواهب معنوی و اخروی و تأسف و اندوه به دلیل از دست رفتن آنها باشد» به‌طور تلویحی آیه‌هایی از قرآن کریم را مدنظر دارد؛ برای مثال براساس آموزه‌های قرآنی مواهب دنیا بر دو گونه است. بخشی از آن با سعی و کوشش به دست می‌آید و با سستی و تنبلی از دست می‌رود. بخشی دیگر چنان است که بدون سعی و کوشش در اختیار او قرار می‌گیرد و قسمتی چنان است که به هر حال از دست می‌رود؛ هرچند نهایت سعی و تلاش را بکند. بخش اول محدوده اختیارات انسان است و آیه شریفه "وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى" (نجم/ ۳۹) به آن اشاره دارد؛ ولی بخش دوم محدوده قضا و قدر حتمی است که از تحت اختیار انسان بیرون است.

مورد دیگر به نامه ۶۶ مربوط است. امام (علیه‌السلام) در آغاز این نامه می‌فرماید: «بسیار می‌شود انسان از یافتن چیزی خشنود می‌شود که هرگز از دست او نمی‌رفت (و به عکس) از فوت چیزی اندوهناک می‌گردد که هرگز نصیب او نمی‌شد».

اشاره به اینکه از نظر مقدرات الهی و یا به بیانی دیگر از نظر عالم اسباب، گاه مواهبی نصیب انسان می‌شود که تلاش و کوششی برای آن نکرده است و از نظر ظاهر به‌طور حتم به او می‌رسید. در این گونه موارد شادمانی چندان مفهومی ندارد و به عکس از نظر مقدرات و عالم اسباب اموری هست که انسان هرچه تلاش کند به آن نخواهد رسید؛ در این حالت نیز غم و اندوه معنایی ندارد.

به یقین توجه به این دو نکته، انسان را از دلبستگی‌های مادی رها می‌سازد. زیرا نسبت به تمام نعمتهای مادی که در اختیار اوست یا آنچه از دست او رفته است، همین احتمال هست؛ همان

چیزی که در قرآن مجید آمده است: «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید/ ۲۳)؛ به این دلیل که برای آنچه از دست داده‌اید، تأسف نخورید و به آنچه به شما داده شده است، دل‌بسته و شادمان نباشید.

در نامه ۷۲ می‌توان ارتباط بینامتنی بین این نامه و متن قرآن را بیشتر مشاهده کرد. امام (علیه‌السلام) در این نامه کوتاه به پنج نکته مهم اشاره می‌کند: نخست به این نکته اشاره می‌کند که تا اجل قطعی انسان فرا نرسد، حوادث خطرناک نمی‌تواند او را در کام خود فرو برد و هنگامی که فرا رسد، تأخیر در آن ممکن نیست؛ همان‌گونه که قرآن فرموده است: «مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ» (حجر/ ۵): هیچ گروهی از اجل خود پیشی نمی‌گیرد و از آن عقب نخواهد افتاد.

دومین نکته تسلی‌خاطری است برای تمام کسانی که گرفتار محرومیت‌هایی ناخواسته در زندگی می‌شوند. اگر به این نکته توجه کنند که چنین چیزی هرگز برای آنها مقرر نشده بوده و امکان دسترسی به آن حاصل نبوده است، نگرانی آنها برطرف می‌شود.

توجه به این حقیقت سبب می‌شود که انسان از حوادث روزگار و فراز و نشیب آن هرگز نگران نشود و کاسه صبرش لبریز نگردد و زمام اختیار از دست ندهد و بداند که هیچ یک از حوادث روزگار پایدار نیست.

چهارمین نکته بر مبنای آیه «وَتِلْكَ آيَاتُ نُدَاوِلْهَا بَيْنَ النَّاسِ» (آل عمران/ ۱۴۰) به متغیر بودن دنیا اشاره می‌کند در نهایت اینکه در پنجمین و آخرین اندرز می‌فرماید:

«آنچه از مواهب دنیا، قسمت توست به سراغ تو می‌آید؛ هرچند ضعیف باشی و آنچه بر زبان توست، گریبان‌ت را خواهد گرفت (هرچند قوی باشی) و نمی‌توانی با قدرت آن را از خود دور سازی.»

این سخن در واقع برگرفته از قرآن مجید است که می‌فرماید: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (یونس/ ۱۰۷). و اگر خداوند (برای امتحان و مانند آن) زبانی به تو رساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف کند و اگر اراده خیری برای تو کند، هیچ کس مانع فضل او نخواهد شد؛ آن را به هر کس از بندگانش بخواهد می‌رساند و او آمرزنده و مهربان است.

در نامه ۷۷ به صورت صریح نام قرآن آمده است. امیرمؤمنان علی (ع) در این توصیه، که خطاب به ابن عباس است در آن زمان که او را برای سخن گفتن با خوارج فرستاد، روش استدلال در برابر

آنان را به او یاد می‌دهد و می‌فرماید:

«به آیات مشابه قرآن احتجاج نکند که ممکن است تفاسیر مختلفی برای آن بکنند؛ بلکه با سنت با آنها استدلال کند که بسیار شفاف و روشن است.»

این امر ممکن است اشاره به دو مطلب باشد:

۱. قرآن محکمت و متشابهات دارد؛ یعنی آیاتی کاملاً روشن و آیاتی که ممکن است معانی مختلف برای آن ذکر شود. هرگاه این آیات در کنار هم چیده شود، مفاهیمی کاملاً روشن دارد؛ مثلاً آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ: حکم تنها از آن خداست» (یوسف/۴۰). هنگامی که در کنار آیه شریفه «فَابْعَثُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا» گذارده شود، معلوم می‌شود که معنای حاکمیت و داوری خدا این است که هر کس می‌خواهد حکمیت کند، باید طبق قرآن و فرمان خدا باشد و لازم نیست خداوند درباره هر قضیه شخصی آیه‌ای نازل کند؛ ولی بیمار دلان و کسانی که به تعبیر قرآن «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ» (آل عمران/۷) هستند، متشابهات را می‌گیرند و محکمت را رها می‌کنند و آیات قرآن را مطابق میل و خواسته نادرست خود تفسیر می‌کنند؛ به همین دلیل امام (علیه‌السلام) به ابن عباس می‌فرماید:

«برای رهایی از بحثهای منافقان و کوردلان به سراغ قرآن نرو؛ زیرا بحثهای دامنه‌دار محکم و متشابه پیش می‌آید و آنها که فقط به دنبال متشابهات هستند به خواسته خود می‌رسند.»

۲. چون قرآن به منزله قانون اساسی اسلام است، طبعاً مسائل را غالباً به صورت کلی بیان می‌کند و تطبیق کلیات بر مصداقها گاه بر اثر لجاجت و یا کج‌فهمی مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد در حالی که سنت در بسیاری از موارد به صورت فعل شخصی پیامبر (ص) است و هیچ‌جای انکار و گفت‌وگو در آن نیست؛ مثل اینکه در داستان «بنی قریظه»، پیامبر داوری را به «سعد بن معاذ» داد! این خود جواب دندان‌شکنی برای خوارج است که می‌گفتند داوری مخصوص خداست.

آری بخش مهمی از سنت پیامبر، رفتار اوست که در موارد خاصی از آن حضرت سر می‌زد در حالی که قرآن تنها سخنان خداست و این سخنان هرچند برای حق جویان ابهامی ندارد برای افراد مغرض و لجوج قابل سوء استفاده است.

به‌طور کلی بینامتنیت در نامه‌های ۱۸، ۲۲، ۶۶ و ۷۷ آشکار است؛ یعنی در این نامه‌ها مبنای سخنان امام علی، آموزه‌های قرآنی است. البته این امر در رفتار و گفتار امام علی به‌طور کلی با توجه به جایگاهشان بدیهی می‌نماید؛ با این حال در برخی از نامه‌ها این ارتباط متنی با قرآن نمایانتر

است.

سطح تبیین

فر کلاف معتقد است که هدف محقق در مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از فرایند اجتماعی است. در تبیین، گفتمان به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌شود و نشان داده می‌شود که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعین می‌بخشد. هم‌چنین در تبیین نشان داده می‌شود که گفتمانها چه تأثیرات بازتولیدی می‌تواند بر آن ساختارها بگذارد. از نظر فر کلاف تبیین، مشاهده گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت است (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

همان‌طور که اشاره شد، دگرگونیهای سیاسی و دینی بعد از رحلت پیامبر (ص) موجب شد تا گفتمان حاکم بر کلام امام (ع)، اختناق سیاسی مسلط بر جامعه و گسترش فساد اجتماعی را بازتاب دهد. جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی - اسلامی بستر اصلی شکل‌گیری گفتمان مدیریتی امام علی (ع) است.

بدون شک بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) ساختارهای مختلف جامعه اسلامی بویژه ساختارهای سیاسی و اقتصادی، محل مناقشه دو گفتمان اصلی در صدر اسلام بود. بنی‌امیه و بنی‌هاشم هر یک گفتمان خاصی را نمایندگی می‌کردند. نکته جالب این است که هر دو گفتمان ادعای اسلامی بودن می‌کنند. این‌طور نیست که گفتمان اسلامی در مقابل گفتمان کفر، مثل دوران پیامبر (ص) قرار گرفته باشد.

درواقع منازعه اصلی بر سر کسب قدرت و در دست گرفتن حاکمیت جامعه اسلامی است؛ اما با دو رویکرد گفتمانی متفاوت. هر دو گفتمان از گفتمان اسلامی تغذیه می‌کنند؛ منتها نظم گفتمانی که توسط امام تولید و به‌نوعی در نامه‌هایشان بازتولید می‌شود، کاملاً با آنچه بنی‌امیه آنرا نمایندگی می‌کردند متفاوت بود؛ بنابراین، تحلیل انتقادی گفتمان مدیریتی امام علی (ع) را باید در چنین بستری انجام داد.

براساس آنچه در بخش توصیف و تفسیر آمد، می‌توان گفت که در این تحلیل دو بعد محوری قابل شناسایی است: یکی رخداد ارتباطی است که همان نامه‌هایی را شامل می‌شود که امام به عبدالله ابن عباس نوشته است. بعد دوم، نظم گفتمانی است که همان نظم گفتمانی مدیریتی است. اگر بخواهیم به‌طور مشخص براساس ادبیات خود فر کلاف حرف بزنیم، باید بگوییم که در این

نظم گفتمانی تنها یک پرکتیس گفتمانی قابل شناسایی است و آن پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار است. در اینجا رابطه متن نامه‌ها به عنوان رخداد ارتباطی با پرکتیس اجتماعی یا همان بسترهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و غیره از طریق پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار امکانپذیر شده است؛ بدین ترتیب نامه‌های امام از طریق پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار، به وجود آمده و توسط پرکتیس اجتماعی شکل یافته است. با توجه به جایگزینی گفتمان مدیریت اسلامی و خطر بازگشت و یا غلبه تفکرات مدیریتی پیش از اسلام، امام علی در تلاش است تا در قالب پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار نظم گفتمان مدیریت اسلامی را بازتولید کند.

امام علی (ع) در سطح پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار، انواع مختلف دالهای فرعی گفتمانی را برای مفصل‌بندی نظم گفتمانی یا همان دال مرکزی در نامه‌هایشان به کار گرفته‌اند که گفتمان مدیریت اسلامی است. به طور کلی شش گفتمان فرعی یا زیرگفتمان که در مفصل‌بندی پرکتیس گفتمانی امام - کارگزار برای تولید گفتمان اصلی یا نظم گفتمان مدیریت اسلامی به کار گرفته شده، عبارت است از: زیرگفتمان مدیریت عدالتگرا و حقگو، زیرگفتمان گشاده‌روی مدیریت، زیرگفتمان مدارای مدیریتی، زیرگفتمان سرنوشتگرا، زیرگفتمان شهادتگرا و زیرگفتمان دنیاگریزی.

زیرگفتمان مدیریت عدالتگرا و حقگو

از نظر امام علی (ع) یکی از مهمترین صفات کارگزار، رعایت عدالت است؛ زیرا خود امام علی (ع) هم تنها هدف پذیرش حکومت را احقاق حق و ابطال باطل اعلام فرمودند. از نظر ایشان کارگزاران با توجه به مسئولیتی که در حکومت اسلامی بر عهده دارند، باید با همگان، عادلانه رفتار کنند.

در دیدگاه امیرالمؤمنین، اصلی که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی و پیکر اجتماع را قرین سلامت گرداند و به روح اجتماع آرامش دهد، عدالت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). حضرت علی عدالت را در رفتار کارگزاران، موجب علاقه‌مندی مردم به حکومت می‌دانند. ایشان در نامه ۶۶ به عبدالله ابن عباس فرمودند:

«پس نباید بهترین چیزی که در این دنیا بدان نایل می‌آیی، رسیدن به لذتی یا فرو نشانیدن کینه‌ای باشد؛ بلکه باید خاموش کردن باطلی بود یا زنده کردن حقی»

در مقابل عدل، ظلم قرار دارد. در این نامه نیز امام با اشاره به خاموش کردن باطل و زنده کردن

حق بر این امر تأکید می‌کند که هدف تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد عدل در جامعه و از بین بردن ظلم و فساد است. ظالم بودن کارگزاران با تحقق این هدف مخالف است. کارگزاران ظالم، مساوات بین افراد جامعه را رعایت نمی‌کنند و در تشخیص امکانات و وظایف، تبعیض قائل می‌شوند. این کارگزاران با ستم خود موجب حیف و میل اموال و ثروت مردم می‌شوند و گروهی را بر گروه دیگر مقدم می‌دارند.

زیرگفتمان گشاده‌رویی مدیریتی

می‌توان اولین اثر مهربانی و گشاده‌رویی کارگزار را ایجاد آرامش در محیط کار دانست. در واقع، یکی از عوامل جلب محبت نیروها و کارکنان، خوش اخلاقی است که مایه ایجاد صلح و دوستی بین افراد است. گشاده‌رویی و صمیمیت مدیران در محیط کار جاذبه‌ای بسیار قوی برای کارمندان زیردست به وجود می‌آورد و همگان را به اجرای وظیفه، مشتاقتر و مصمم‌تر می‌سازد. در این مورد امام علی (ع) در نامه ۷۶ به ابن عباس می‌فرماید: «با مردم گشاده‌رو باش؛ آن‌گاه که به مجلس در آیند و آن‌گاه که درباره آنها حکمی کنی، از خشم بپرهیز که خشم نشان سبک‌مغزی از سوی شیطان است.»

زیرگفتمان مدارای مدیریتی

برای امام علی (ع) بسیار مهم است که کارگزار در کنار گشاده‌رویی و اخلاق نیک با مخالفان و دشمنان بالقوه، مدارا کند و به همین دلیل است که وقتی در نامه ۱۸ موضوع رفتار با قبیله بنی تمیم را پیش می‌کشند بر مدارا با آنها تأکید می‌کنند.

در ابتدا امام به عبدالله می‌فرماید: «به من خبر رسیده است که با بنی تمیم بدخویی و درستی کرده‌ای... در جاهلیت و اسلام در کینه‌جویی، کس همانند آنها نبوده است. ایشان را با ما پیوند خویشاوندی و قرابت خاص است که اگر آن را مراعات کنیم، پاداش یابیم و اگر نکنیم، مرتکب گناه شده‌ایم.»

در اینجا تأکید امام بر کینه‌جویی بنی تمیم برای نشان دادن اهمیت مدارا با دشمنان بالقوه است. ایشان می‌فرمایند هرچند با ما خویشاوندی دارند، اگر با آنها خوب رفتار نکنی، مرتکب گناه شده‌ای. ارتکاب گناه نشان اهمیت مدارا در رفتار کارگزار است.

امام در ادامه آشکارا موضوع مدارا را عنوان، و می‌فرماید: پس ای ابوالعباس خدایت رحمت کند در آنچه از نیکی و بدی بر دست تو جاری می‌شود، مدارا کن که ما هر دو در آن شریکیم و

چنان باش که گمانم به تو نیکو گردد و اندیشه‌ام درباره تو بد نگردد. نکته قابل توجه دیگر، که در این نامه به صورت تلویحی نهفته و بیانگر گفتمان مدیریتی امام علی (ع) است، این است که خود امام نیز در مدیریت کارگزاران، رویکردی مداراگرایانه دارد. آنجا که می‌فرماید «مداراکن که ما هر دو در آن شریکیم» این موضوع نمایانگر می‌شود. البته لحن امام در تمام نامه‌هایشان به عبدالله مداراگرایانه است.

زیرگفتمان سرنوشت‌گرا

در اغلب نامه‌های امام به کارگزارانش و از جمله در نامه‌های ایشان به عبدالله ابن عباس بر توکل به خداوند و قبول تقدیر و سرنوشت تأکید فراوان شده است. این سرنوشت‌گرایی به معنای انفعال کارگزار نیست؛ بلکه امام بر این باور بودند که مدیر باید در کنار درپیش گرفتن راه درست در مدیریت خود باید در نهایت تسلیم سرنوشت شود. بنابراین از یک سو باید بر اساس فرمان و دستور الهی و در راستای تحقق فرمان او عمل کند و از سوی دیگر از هر آنچه وی را از خدا دور می‌کند، دوری گزیند. در نهایت این دست تقدیر و سرنوشت است که آینده او را رقم خواهد زد. در نامه ۷۲ به کارگزار خود چنین می‌فرماید. «اما بعد، تو بر اجلت پیشی نخواهی گرفت و آنچه روزی تو نیست به تو اش ندهند. ... آنچه از آن تو باشد، سرانجام به تو خواهد رسید؛ هر چند ناتوان باشی. آنچه بر زیان توست، دفعش نتوانی کرد؛ هر چند، نیرومند باشی».

زیرگفتمان شهادت‌گرا

گفتمان مدیریتی امام علی شهادت‌گرایانه است. البته این گونه نیست که برای کارگزاران خود، این را طلب کند. توسل به گفتمان شهادت برای این است که نشان دهد اولاً هیچ تعلق خاطری به دنیا ندارد. ثانیاً جهاد در راه خدا و مبارزه با دشمنان اسلام، وظیفه است. بنابراین کارگزار باید هر لحظه برای شهادت در راه خدا آماده باشد. در این مورد امام در نامه ۳۵ می‌فرماید: «به خدا سوگند، اگر نه این بود که همه آرزویم به شهادت رسیدن است، هنگام رویارویی با دشمن و اگر نه دل بر مرگ نهاده بودم، خوش نداشتم که حتی یک روز هم در میان اینان بمانم یا در روی ایشان بنگرم».

زیرگفتمان دنیا‌گریزی

به طور کلی در دین اسلام بر این امر تأکید می‌شود که در همه حال باید به یاد خدا بود و آخرت را نباید فدای لذتهای دنیایی کرد. این موضوع در همه نامه‌های امام، چه تلویحی و چه

صریح وجود دارد و امام از آن برای مفصل‌بندی پراکتیس گفتمانی خود استفاده می‌کند. امام در نامه ۶۶ می‌فرماید: «باید شادمانی تو به سبب چیزهایی باشد که پیشاپیش برای آخرت فرستاده‌ای و اندوه و دریغ تو بر آنچه در این دنیا به جای می‌گذاری و باید که همه هم تو به امور پس از مرگ منحصر باشد.»

چرا تا این حد زندگی پس از مرگ مهم است؟ زیرا دنیا کوتاه، ناپایدار و متغیر است و هیچ‌گاه برای هیچ‌کس به یک روال نخواهد بود. امام در نامه ۷۲ می‌فرماید: «و بدان که دنیا دو روز است: روزی به سود تو و روزی به زیان تو و دنیا سرایی است که پیوسته دست به دست می‌گردد.» بنابراین، طبق آنچه بیان شد در نامه‌های امام نوعی رابطه بینا گفتمانی و یا میان گفتمانی در جریان است که در خدمت شکل‌دادن به پراکتیس گفتمانی امام - کارگزار و در راستای بازتولید نظم گفتمان مدیریت اسلامی است.

این نظم گفتمانی به نوعی رو به جهان آخرت دارد. در نامه‌های امام علی آشکارا از مفاهیم و مضمونهای دینی در ساخت گفتمان مدیریتی استفاده می‌شود. این گفتمان آشکارا در مقابل گفتمان مقابل قرار می‌گیرد که بیشتر دنیاگرایانه است.

البته رویکرد آخرتگرایانه در نظم گفتمان مدیریتی امام علی به معنای نادیده گرفتن زندگی دنیا و بویژه مردم نیست. در دیدگاه امیرمؤمنان از یک سو، حکومت و مدیریت از شأنی الهی برخوردار است و از سوی دیگر بدون درخواست، رضایت، حضور و کمک مردم مفهومی ندارد و تحقق نمی‌یابد (دلشادتهرانی، ۱۳۷۹: ۹۶ - ۹۳). و در این نوع حکومت و مدیریت، مردم صاحب حق تلقی می‌شوند و حکومت حافظ حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست (مطهری، ۱۳۷۱: ۱۲۸) و تحصیل رضایت مردم [به همراه حق و عدالت‌محوری] اصل اساسی مدیریت و حکومت اسلامی است. بنابراین حکومت و مدیریت سالم، مردم مدار است و جلب محبت و رضای مردم از محبوبترین کارها نزد حاکم و مدیران است و رضایت عامه مردم بر رضایت خواص با نفوذ برتری دارد و از اقداماتی که اعتماد مردم را سلب می‌کند و باعث رنجش و ناراحتی و به زحمت‌افتادن مردم می‌شود، تحذیر شده است تا حدی که در مدیریت سالم، جلب رضایت مردم از شاخصهای موفقیت و اثربخشی حکومت و یا سازمان است.

درنهایت می‌توان گفت که ساختار قدرت و ساختار سیاسی دوران حاکمیت امام علی از سوی افراد و گروه‌های مختلفی به چالش کشیده می‌شود. گروه‌های رقیب در تلاش بودند تا از طریق

تهدید، تطمیع و اقناع مردم از تثبیت ساختار حکومت اسلامی جلوگیری کنند. امام علی (ع) در نامه‌هایی که به کارگزاران خود و از جمله عبدالله ابن عباس می‌نویسد، تلاش می‌کند تا از طریق نظم گفتمانی خاص خود ساختار سیاسی - مدیریتی اسلامی، مبتنی بر قرآن و سنت پیامبر (ص) و با نقش آفرینی مردم را بازتولید کند.

نتیجه‌گیری

از دید تحلیل گفتمان به‌طور عام و تحلیل گفتمان انتقادی به‌طور خاص، انسانها در همه دورانهای تاریخی و در هر جامعه‌ای خارج از گفتمان نیستند. ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درون نظمهای گفتمانی، شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود و گاه در رویارویی با گفتمانهای رقیب تضعیف می‌شود؛ از این‌رو، می‌توان گفت که جامعه امروزی ما نیز درون نظم گفتمانی قرار دارد و اینکه نظام مدیریتی آن نیز تحت تأثیر این نظم گفتمانی است. مهمتر اینکه این نظم گفتمانی از سوی گفتمانهای رقیب تهدید می‌شود. گفتمان اسلامی - شیعی حاکم بر ساختهای مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی با وقوع انقلاب اسلامی استقرار یافته است. از آنجا که ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و در رأس آنها امام علی (ع) از محورهای اصلی این گفتمان هستند، باید ساختارهای قدرت و سیاست براساس این گفتمان بنا، و در مدیریت جامعه نیز گفتمان مدیریتی امام علی (ع) حاکم شود. این گفتمان مدیریتی اسلامی می‌تواند در صورت تقویت به بازتولید ساختارهای مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بینجامد و در صورتی که گفتمانهای رقیب آن را تضعیف کنند، باید منتظر پیامدهای ساختاری آن نیز باشیم.

این گفتمان مدیریت از دیدگاه ارتباطی بر این تأکید می‌کند که هیچ حکومتی بدون ارتباط با شهروندان خود نمی‌تواند کاری از پیش ببرد؛ از این‌رو باید جریان مداوم اطلاعات، دستورالعمل‌ها و عقاید بین حکومت (حاکم، نهادها و دستگاه‌های حکومتی) با عموم شهروندان و گروه‌های مختلف جامعه همیشه وجود داشته باشد. مردم‌سالاری دینی، نمود اصلی این گفتمان مدیریتی است. امام علی (ع) از یک جهت به عبدالله توصیه می‌کند که مبنای رفتار خود را بر آخرت قرار بدهد و نه بر دنیا و از سوی دیگر موفقیت او را در مدیریت در برقراری تعامل سازنده و خوب و برخورد گشاده‌روییانه با مردم و قبایل مختلف می‌داند.

مدیران باید باتوجه به رده مدیریتی خود با مردم و با افراد زیردست خود رفتاری مناسب و شایسته گفتمان مدیریت اسلامی به کار گیرند. کارگزار برای جلوگیری از سودجویان باید سختگیر باشد و قاطعانه برخورد کند. هم‌چنین، یکی از صفات برجسته کارگزار تواضع و فروتنی است و بیشتر خصیلت‌های پسندیده از این صفت سرچشمه می‌گیرد که سرمایه عظیمی است. فروتنی مدیران و حکومتگران، ارزش و اهمیت زیادی دارد. تواضع صاحبان قدرت در برابر مردم بسیار با ارزش است؛ زیرا نشان می‌دهد که کارگزار، خود را در مرتبه بالاتر و برتر از مردم نمی‌داند و خود را از آنان می‌داند؛ چنین تواضعی بر آن زیاد تأکید می‌شود؛ رفعت و منزلت کارگزاران نزد خداوند را به همراه دارد و بین مردم موجب الفت و محبوبیت می‌شود؛ از این رو گفتمان مدیریتی امام علی با گفتمان مدیریت غربی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد که خود بخشی از گفتمان گسترده‌تر توسعه است. گفتمان توسعه، رویکرد دنیامحور و مادیگرایانه دارد و رشد اقتصادی و مادی در کانون آن قرار دارد. هرچند نسخه‌های جدیدتر این گفتمان در قالب توسعه پایدار بر جنبه‌های اجتماعی و انسانی توسعه تأکید می‌کند، کل سعادت و خوشبختی فرد را در این دنیا خلاصه و محدود کرده است. بدون شک گفتمان مدیریتی و برنامه‌ها و الگوهای مدیریت جامعه، که از این گفتمان توسعه ناشی می‌شود، نیز از گفتمان مدیریت اسلامی بسیار متفاوت است که رویکرد معناگرایانه و آن جهانی دارد.

در مورد چگونگی ارتباط این تحقیق با یافته‌های تحقیق‌های پیشین می‌توان گفت، همان‌طور که نشان داده شد، شش گفتمان در مفصل‌بندی پراکتیکس گفتمانی امام - کارگزار برای تولید نظم گفتمان مدیریت اسلامی به کار گرفته شده است. یکی از این گفتمانها مدیریت عدالتگرا و حقگو است. در این مورد یافته‌ها مشابه نتایجی است که مهدوی راد و غروی به دست آورده‌اند. آنها برجسته‌ترین ویژگی مدیریت علوی را حق‌مداری، عدالت‌محوری و قانونگرایی می‌دانند. هم‌چنین یافته‌های پریسا باقرنژاد و احمد عیسی‌خانی نشان می‌دهد که عدالت از تأکیدات اصلی امام در مدیریت اسلامی است.

یافته‌های تحقیق نصیری نیز نشان می‌دهد که علاوه بر تقوا، خدامحوری و مردمی‌بودن و مردم‌مداری از مهمترین معیارهای شایسته‌سالاری مدیران در نهج‌البلاغه است. این یافته با آنچه در نامه‌های عبدالله ابن عباس به آن رسیدیم، یعنی با گفتمان گشاده‌رویی و مدارای مدیریتی همسویی دارد. درواقع این همسویی نشان می‌دهد که رویکرد مدیریتی امام علی(ع) همواره یکسان، و

محورهای آن ثابت بوده است. احمدخانی نیز به نوعی به انسانمداری بر پایه کرامت انسانی در نامه‌های امام علی (ع) رسیده است که این یافته نیز با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد. سرانجام اینکه علاوه بر تفاوتی که در مراحل توصیف و تفسیر یافته‌های این تحقیق و پژوهشهای پیشین وجود دارد در مرحله تبیین سه گفتمان سرنوشتگرا، شهادتگرا و دنیاگریز، که در تحلیل گفتمان انتقادی نامه‌های امام علی به آنها رسیدیم در هیچ کدام از پژوهشهای بررسی شده نیامده است؛ از این رو در کنار شباهتها و همسوییها تفاوتی نیز بین یافته‌های این تحقیق و پژوهشهای پیشین وجود دارد که ممکن است هم از محتوای نامه‌ها و هم ناشی از رویکرد روش-شناسی تحقیق باشد.

این تحقیق با روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به تحلیل نامه‌های امام علی به عبدالله ابن عباس پرداخت. مطالعات بعدی می‌تواند اولاً دیگر نامه‌های امام علی را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. ثانیاً از دیگر روشهای تحلیل گفتمان و یا حتی دیگر روشهای تحلیل محتوا استفاده شود. به‌عنوان پیشنهاد کاربردی به مسئولان نظام، می‌توان گفت که امروزه برای حفاظت از نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان نمود اسلام در سیاست و مدیریت چاره‌ای جز اتکا به گفتمان مدیریتی اسلامی وجود ندارد. ساختارهایی که در نتیجه انقلاب اسلامی شکل گرفته است مبنایی اسلامی دارد. ادعا در آغاز استقرار نظام اسلامی براساس آموزه‌های اسلامی بویژه آموزه‌های امام علی (ع) بود؛ اما دورشدن از بنیانهای اصلی گفتمان مدیریتی اسلامی می‌تواند تضعیف ساختارهای قدرت و مدیریت اسلامی را به همراه داشته باشد؛ از این رو ضروری است که با الگوبرداری از گفتمان مدیریتی امام علی (ع) به اصلاح نظام مدیریتی کشور دست بزنند تا هرچه بیشتر به آن گفتمان نزدیک شود.

منابع فارسی

- احمدخانی، مسعود (۱۳۷۹)، الگوسازی رفتار مدیران با توجه به نامه‌های حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق.
- مهرابی، امیرحمزه (۱۳۸۱)، مدیریت منابع انسانی از دیدگاه امام علی(ع)، نشریه پاسدار اسلام، ش: ۲۴۳ - ۲۴۴.
- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۹۱)، توصیف و تبیین ساختهای زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی، فصلنامه پژوهشهای زبان و ادبیات تطبیقی، د ۳، ش ۲: ۱-۱۹.

- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قربان‌نژاد، پریسا و عیسی‌خانی، احمد (۱۳۹۲)، الگوی شایستگی مدیران بر اساس نهج‌البلاغه امام‌علی(ع)، فصلنامه مدیریت توسعه و تحول، ش ۱۵: ۲۲-۱۷.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا و ناصری‌مشهدی، نصرت (۱۳۸۷)، تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی «نامه سران تگیناباد به امیر مسعود»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، ش ۶۲.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹)، حکمت سیاسی اسلام، تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
- خسروی، محمود (۱۳۸۷)، ملاکهای انتخاب و انتصاب نیروی انسانی در مدیریت اسلامی با تأکید بر نهج‌البلاغه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۷۹)، دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک‌اشتر، تهران: دریا.
- سعیدی، سینا (۱۳۸۹)، مطالعه تطبیقی خصیصه‌های حاکم اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه و نظریه‌های مدیریت، همایش منطقه‌ای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دیدگاه اسلام، شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا.
- سیدرضی (۱۳۱۸)، نهج‌البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید، ج ۱۶: ۱۴۲.
- شکرانی، رضا؛ علامه، سیدمحسن و انجمنی، سمیه (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی مهارت شهود مؤثر از دیدگاه قرآن و حدیث و دانش، مدیریت اسلامی، دوره ۲۰، ش ۲: ۱۳۱-۱۴۶.
- صادق‌زاده قمصری، علیرضا (۱۳۹۱)، الگوهای نظری با صیغه ایرانی اسلامی: مروری روش‌شناختی بر تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نخستین کنفرانس الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت؛ نقشه راه طراحی و تدوین الگو، ۱۱ - ۱۰ خرداد، تهران: کتابخانه ملی.
- صفایی، علی و سلطانی، بهروز (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی(ع) به معاویه، جستارهای زبانی دوره هفتم، ش ۷ (پیاپی ۳۵).
- صفائی، علی و سلطانی، بهروز (۱۳۹۵)، دوماهنامه جستارهای زبانی، ش ۷ (پیاپی ۲۵): ۴۹ - ۲۳.
- عرب‌زوزنی، محمدعلی و پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۴)، بررسی ساختارگذاری در خطبه بیست‌وهفتم نهج‌البلاغه، براساس فرانش تجزیه نظریه نقش‌گرا، فصلنامه پژوهش نهج‌البلاغه، س سوم، ش ۹.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه: فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
- فضائی، مریم و نگارش، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل خطبه پنجاه‌ویکم نهج‌البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنشهای گفتاری، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، س چهل‌وسوم، ش پیاپی ۸۶/۳: ۱۸ - ۱۱۸.

- محسنی، علی‌اکبر و پروین، نورالدین (۱۳۹۴)، بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه، براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)، پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ششم، ش ۲: ۱۵۵ - ۱۳۳.
- ستوده‌نیا، محمدرضا و جانی‌پور، محمد (۱۳۹۱)، الگوی مدیریت بحرانهای سیاسی - اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع) پژوهشنامه علوی، س سوم، ش ۶.
- محمودی، سعیده؛ چراغی‌وش، حسین و میرزایی‌الحسینی، محمود (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، س چهارم، ش ۱۶.
- مهدوی‌راد، محمدعلی و غروی، سعید (۱۳۹۱)، ملاک ارزیابی کارگزاران در نهج البلاغه، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم، ش ۶۳.
- نجفی، محمد؛ حکیم‌سفائی، هادی و یادمحمدزاده، پیمان (۱۳۸۸)، رهبری و مدیریت سازمان از دیدگاه اسلام. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.

منابع انگلیسی

- Blommaert, Jan and Chris Bulcaen.(2000) Critical Discourse Analysis, Annual Review of Anthropology, Vol. 29 (2000), pp. 447-466Published
- Huckin, Thomas, Jennifer Andrus and Jennifer Clary-Lemon.(2012). Critical Discourse Analysis and Rhetoric and Composition. College Composition and Communication, Vol. 64, No. 1, Research Methodologies(September 2012), pp. 107-129
- Deborah Lupton.(1995). Postmodernism and Critical Discourse Analysis, Discourse & Society, Vol. 6, No. 2 (1995), pp. 302-304
- van Dijk, Teun A.(1993). Principles of critical discourse analysis,Discourse & Society, Vol. 4, No. 2, SPECIAL ISSUE: Critical Discourse Analysis (1993),pp. 249-283